



قانون ممنوعیت استارلینک
مصوبه مجلس برای مقابله با جاسوسی



مراقبت از میهن
علی میرسپاسی



روزنه‌های امید
روزهای سخت بورس



تهران بی پناه
چرا پایتخت پناهگاه ندارد؟



هشدار پزشکيان
به منابر و صداوسیما

رئیس جمهور: اختلاف افکني نکنيد
و هم‌بستگی ملی را از بین نبريد



یادداشت روز

تاب‌آوری ملی

بازسازی جامعه پس از جنگ فقط محدود به بازسازی فیزیکی و زیرساخت‌ها نیست؛ حمایت‌های روانی، ایجاد فضاهای گفت‌وگو و تعاملات اجتماعی و تقویت حس امنیت روانی مردم نیز باید در دستورکار قرار گیرد



الهام فخاری

روانشناس

جنگ ۱۲ روزه‌ای که از ۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴ میان ایران و اسرائیل رخ داد، یکی از تلخ‌ترین و ناگهانی‌ترین بحران‌های اخیر کشور ما بود. این تجربه کوتاه‌مدت اما پرتنش، تأثیر عمیقی بر روان و زندگی اجتماعی مردم ایران به‌ویژه ساکنان تهران گذاشت که پیامدهای آن همچنان در ابعاد فردی و جمعی ادامه دارد.

از دیدگاه روان‌شناسی، این جنگ ناگهانی یک رویداد آسیب‌زای پرشتاب بوده که تنش روانی زیاد و به‌دنبال آن تجربه فشرده هیجان‌هایی مانند ترس، اضطراب (تهدیدگی) و خشم و اندوه در بالاترین سطح را میان مردم به‌وجود آورده است؛ بی‌خوابی، کابوس‌های مکرر و اضطراب فراگیر، اصلی‌ترین نشانه‌های روانی‌ای هستند که بسیاری از افراد، به‌ویژه کسانی که به مکان‌های انفجار نزدیک بودند و در معرض مستقیم حمله‌های خراب‌کارانه و موشکی قرار داشتند، تجربه کردند. اضطراب فراگیر و پایدار و ترس از تکرار اتفاقات ناگوار، باعث شده است که تاب‌آوری، تمرکز روزانه و عملکرد افراد به‌شدت مختل شود. نبود امنیت و اطمینان در زندگی روزمره، فشار اقتصادی و توقف بسیاری از کسب‌وکارها، درماندگی شناختی و ناامیدی به‌دلیل خارج از کنترل بودن عامل‌های پدیدآورنده این وضعیت می‌تواند به افسردگی و اختلال‌های جدی اضطرابی منجر شود. در این میان، وضعیت افرادی که پیش از این جنگ نیز دچار اختلال‌های خلقی و شخصیتی یا روان‌شناختی بوده‌اند، پیچیده‌تر و حساس‌تر است چراکه روند درمان قبلی آنها را برهم زده و فشار روانی فزاینده‌ای را به آنها تحمیل کرده است. این اختلالات روانی تنها به افراد بزرگسال محدود نمی‌شود؛ کودکان نیز به دلیل عدم امکان پیش‌بینی جهان پیرامون و تحولات شتابان به‌واسطه شرایط جنگی دچار اضطراب، عدم امنیت روانی و فیزیکی، کابوس‌های شبانه و کاهش تمرکز در زندگی روزمره و تحصیل شده‌اند.

مواجهه مداوم با صدای انفجار، تصاویر تخریب و اخبار جنگ، می‌توانند زمینه‌ساز بروز اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) شوند؛ این اختلال موجب می‌شود که خاطرات تلخ آن روزها تا مدت‌ها در ذهن و روانشان باقی بماند، به محرک‌های کوچک واکنش‌های شدید و ناگهانی نشان دهند و کیفیت زندگی آنها کاهش یابد. روان‌شناسان هشدار می‌دهند که این آثار روانی نباید نادیده گرفته شوند و نیازمند پیگیری و پشتیبانی‌های تخصصی هستند.

جنگ ۱۲ روزه، فشارهای روانی و اجتماعی سنگینی بر خانواده‌ها وارد کرد؛ جدا شدن موقت اعضای خانواده به‌ویژه کودکان از حضور و امنیت والدین، اضطراب و ناامنی عاطفی زیادی را میان آنها ایجاد کرد. کودکان که در شرایط عادی نیز همواره به حضور و حمایت عاطفی والدین نیاز دارند، در این مدت به‌دلیل ناامنی و ترس از وقوع حملات به‌شدت آسیب‌پذیر شدند. همچنین محدودیت‌های ارتباطی، قطعی اینترنت و تلفن، موجب دوری و ناتوانی خانواده‌ها در برقراری تماس با عزیزانشان شد و به افزایش نگرانی‌ها و اضطراب‌های عاطفی دامن زد؛ از سوی دیگر، خانواده‌هایی که در جریان حملات، عزیزان خود را از دست دادند یا یکی از اعضای آنها مفقود شدند، درگیر دوره‌های شدید داغ‌داری و استرس پس از حادثه شدند؛ همه این عوامل، فشار روانی زیادی را بر دوش خانواده‌ها به‌ویژه زنان و کودکان گذاشته‌اند.

ادامه در صفحه ۷

خیانت گروسی

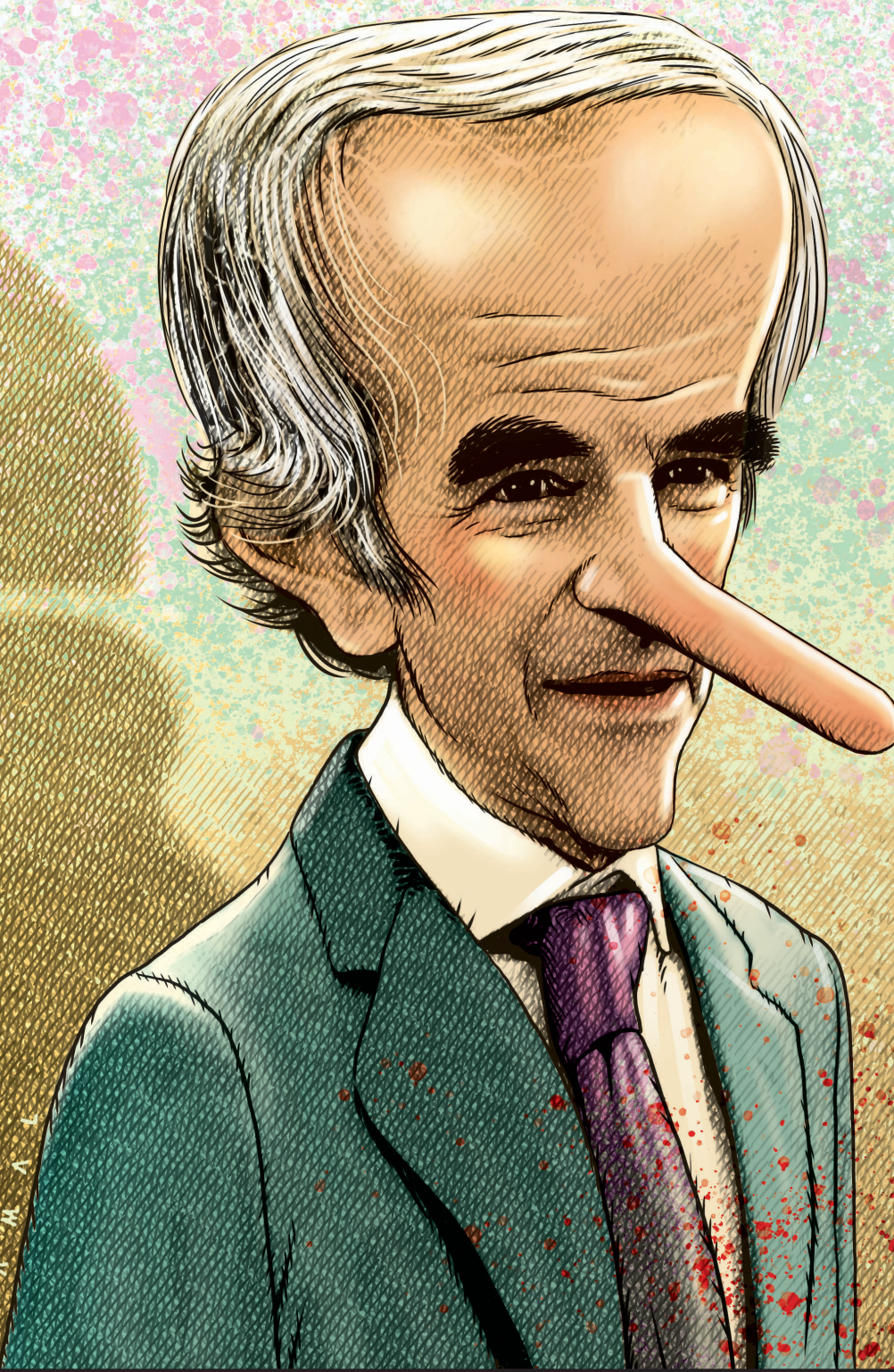
رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حالی دیروز گفت ایران هیچ برنامه‌ای برای تولید سلاح هسته‌ای ندارد که پیش‌تر، گزارش‌های مخرب او، زمینه‌ساز صدور قطعنامه شورای حکام و بهانه تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران و تاسیسات هسته‌ای کشور شده بود

سازندگی به نقش او در این موضوع پرداخته است



گروه بین‌الملل: از ابتدای تجاوز اسرائیل به ایران، نه‌تنها مقامات کشورمان بلکه بسیاری از ناظران بین‌المللی و حتی تحلیل‌گران حاضر در رسانه‌های غربی و عربی بر این عقیده بودند که ریشه جنگی که اسرائیل آن را به‌راه انداخت، چیزی نبود جز گزارش‌های اخیر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. در این راستا او به‌تازگی، مصاحبه‌ای اختصاصی با برنامه «Face the Nation» (رودررو با مردم) که از شبکه سی.بی.اس پخش می‌شود، انجام داده و در این مصاحبه، بار دیگر، مواضعی متضاد با اظهارات گذشته‌اش را اتخاذ کرده است. به گزارش ایسنا، گروسی در بخشی از این مصاحبه در پاسخ به پرسش مارتگارت برنان، مجری این برنامه مبنی بر اینکه «آیا چیزی مشاهده کردید که نشان دهد، ایران به‌دنبال تسلیحاتی کردن برنامه هسته‌ای خود است»، گفت: «بگذارید اینجا واضح بگویم چراکه اول از همه، آنها همه این قابلیت‌ها را دارند اما از دید آژانس، در درجه اول، آنها سلاح هسته‌ای نداشتند و این باید گفته شود. مادر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد نیت‌ها قضاوت نمی‌کنیم. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به فعالیت‌های یک کشور نگاه می‌کند و آن را به جهان گزارش می‌دهد؛ بنابراین، این کشورها هستند که درباره چنین موضوعی اظهار نگرانی می‌کنند».

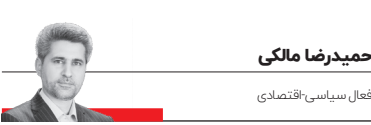
ادامه در صفحه ۳



دیدگاه: یادداشت وارده

سراب نتانياهو

مروری بر روان‌شناسی سیاسی نتانياهو و اهداف شکست‌خورده او در جنگ با ایران



با وجود اینکه در منابع رسمی و معتبر، اطلاعات روشنی که دلیل یا دلایل رفتار جنگ‌طلبانه و افراطی «بنیامین نتانياهو» نخست‌وزیر رژیم منحوس صهیونیستی را به‌طور مستقیم نشان دهند، وجود ندارد چند نکته در تحلیل‌های روان‌شناسی سیاسی یا رفتاری درباره شخصیت او قابل اشاره است:

۱ نتانياهو در خانواده‌ای که گرایش‌های شدید صهیونیستی، نظامی و ایدئولوژیک داشته، بزرگ شده و پدرش، بن‌صهیون نتانياهو، یک مورخ راست‌گرا و حامی صهیونیسم افراطی بوده است. برادرش، یونانان در عملیات انتبه کشته شده و تبدیل به یک قهرمان ملی شده است؛ بنابراین، برخی تحلیل‌گران معتقد هستند، نتانياهو همیشه در سایه این برادر قهرمان، احساس کمبود داشته است.

۲ به‌اعتقاد برخی کارشناسان روان‌شناسی سیاسی، او در تلاش است همواره خود را در قامت یک رهبر مقتدر، مدافع امنیت اسرائیل و نماد قدرت نشان دهد که ممکن است، نوعی جبران احساس حقارت یا نیاز به تایید باشد.

۳ نتانياهو همواره با لحن تهدیدآمیز، اغراق در خطرات و دشمن‌سازی دائمی از دیگران، به‌ویژه ایران، فلسطینی‌ها، سازمان ملل و... شناخته شده است؛ این روش می‌تواند نشانه‌ای از ذهنیتی باشد که امنیت و مشروعیت خود را تنها از طریق سلطه نظامی و نمایش قدرت می‌داند؛ بنابراین با وجود اینکه هیچ سند رسمی روان‌پزشکی‌ای در این زمینه وجود ندارد اما برخی نشانه‌ها و رفتارها می‌توانند بیان‌گر عقده‌هایی از گذشته یا رقابت‌های خانوادگی باشند که در سیاست‌های افراطی او نمود پیدا کرده‌اند. اما آنچه بنیامین نتانياهو، نخست‌وزیر جنایتکار و کودک‌کش رژیم وحشی اسرائیل از حمله به ایران دنبال می‌کرد را می‌توان در چند محور اصلی که ترکیبی از منافع شخصی، سیاسی، منطقه‌ای و راهبردی است به شرح زیر خلاصه کرد:

۱ نتانياهو در گام نخست، قصد تضعیف توان نظامی و هسته‌ای ایران را داشت؛ او سال‌هاست که برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی علیه اسرائیل معرفی می‌کند؛ بنابراین حمله به ایران، به‌زعم او، می‌توانست توانمندی هسته‌ای و موشکی ایران را محدود یا نابود کند.

۲ نتانياهو داخل اسرائیل با اعتراضات گسترده، پرونده‌های فساد، شکاف‌های سیاسی و بحران اعتماد عمومی مواجه است؛ بنابراین جنگ و تنش خارجی در زمان حاضر، ابزار کارآمدی برای انحراف افکار عمومی و حفظ قدرت برای او برآورد شده است.

۳ گرچه نتانياهو به‌طور رسمی، شعار تغییر رژیم در ایران را کمتر مطرح کرد اما آنچه در روزهای آغاز تجاوز بی‌شرمانه خود به خاک کشورمان به‌طور رسمی اعلام کرد، تغییر رژیم بود؛ مشخص نیست که بر اساس کدام داده دقیقی مطمئن شده بود که در پی حمله وحشیانه خود، چنان آشوب و هرج‌ومرج داخلی در ایران به‌وجود می‌آید که علاوه بر تجزیه کشور- که روی آن حساب و بیزه‌ای باز کرده بود- در نگاه او، می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف و در نهایت فروپاشی حکومت در ایران شود.

۴ با توجه به اینکه ایران در عراق، لبنان، یمن و تا حدودی در شرایط فعلی در سوریه نیز نفوذ راهبردی دارد، نتانياهو و متحدانش به‌دنبال عقب راندن این نفوذ تا جایی ممکن هستند؛ جنگی تمام‌عیار می‌توانست این نفوذ را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهد و به حمایت نظام از گروه‌هایی مانند حزب‌الله، حماس و انصارالله که تهدید مستقیم برای اسرائیل تلقی می‌شوند، پایان دهد.

۵ دست آخر نیز نتانياهو فکر می‌کرد که نمایش قدرت و به‌زعم او، دفاع از امنیت اسرائیل، جایگاه‌اش را میان متحدان غربی تقویت می‌کند؛ بنابراین دست به چنین خطای استراتژیکی زد و آغازگر جنگی وحشیانه علیه تمامیت ارضی ایران شد.

اما آنچه در عمل رخ داد، این بود که عرصه را تا جایی بر خود تنگ دید که با فشارهای سنگین لابی صهیونیسم در آمریکا موفق شد، ترامپ را به‌عنوان تنها رئیس‌جمهور جنگ‌طلب و فدایی اسرائیل به‌صورت مستقیم وارد این جنایت هولناک کند. با این اقدام، در عمل ثابت شد که اهداف نتانياهو، سرایی پیش نبودند؛ با وجود استفاده حداکتری از ظرفیت خائنات، نفوذی‌ها و جاسوسان پرتعداد رژیم اسرائیل در ایران، سلطنت‌طلبان، تجزیه‌طلبان و پروپاگاندای رسانه‌ای به‌شدت قوی، با پای‌مردی و هوشیاری مردم و مجاهدت و رشادت نیروهای غیور مسلح در سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران، نتانياهو ناکام ماند و جنایت‌کاران مجبور به عقب‌نشینی شدند.

هشدار پزشکيان به منابر و صداوسيما

رئيس جمهور: اختلاف افكنی كنید و همبستگی ملی را از بین نبرید



عربده می‌کشند تا «شاکي» به نظر برسند! آیا قوه قضائیه پس از خوابیدن این غائله، سراغ آنها خواهد رفت...؟ در این بین فراموش نکنیم که اختلاف‌افکنی تنها به دو هفته اخیر محدود نمی‌شود. جریان مخالف دولت که عمدتا از حامیان سعید جلیلی (برادر بزرگ وحید جلیلی) و جبهه پایداری هستند از همان روزهای آغاز به‌کار دولت چهاردهم به‌دنبال تضعیف آن بوده‌اند. از حملات مکرر به محمدجواد ظریف گرفته تا استیضاح‌های هدمند وزرا و استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد در آستانه نوروز، نشان می‌دهد که پروژه بی‌ثبات‌سازی دولت یک اقدام مستمر بوده است. حتی قالیباف، رئیس مجلس نیز از حملات این جریان در امان نماند و به‌خاطر تأخیر در ابلاغ لایحه حجاب مورد انتقاد شدید قرار گرفت و به محمدباقر قالیباف، رییس مجلس برای عدم ابلاغ لایحه حجاب که شورای عالی امنیت جلوی آن را گرفت، متحمل حملات زیادی شد.

وحدت، شرط عبور از بحران

همه این موارد در حالی است که کشور در دوران حساسی قرار دارد. از یک‌سو تهدیدات خارجی در اوج است و از سوی دیگر، فشارهای اقتصادی و جنگ روانی دشمن ادامه دارد. در چنین شرایطی، انسجام ملی نه یک شعار بلکه ضرورتی برای بقاست اما آنچه رخ می‌دهد، حکایت از شکاف‌های عمیق درونی دارد که نه‌تنها به بهبود اوضاع کمکی نمی‌کند بلکه به دشمنان این مرز و بوم، خدمت مستقیم می‌رساند.

آن‌طور که صاحب‌نظران معتقدند، در شرایط کنونی، افراطیون سیاسی، رسانه‌ای و برخی نهادهای اثرگذار اگر نتوانند بین رقابت سیاسی و تهدید امنیت ملی تمایز قائل شوند، نه‌تنها ضربه به دولت که ضربه به کلیت نظام خواهند زد. به‌هم‌ریختگی رسانه ملی، یک زنگ خطر جدی است. صدایی که به جای اتحاد، تفرقه می‌پراکند و به جای آرامش، التهاب می‌آفریند. امروز بیش از هر زمان، نه فقط رئیس‌جمهور بلکه تمامی دلسوزان نظام باید به فکر اصلاحات عمیق در سازوکار رسانه‌ای کشور باشند. فردا دیر است.

این شبانه شد که صداوسیما، برخلاف وظیفه‌اش، در حال خط‌کشی سیاسی و قطب‌بندی رسانه‌ای است. در همین فضا، روزنامه خراسان نیز با انتشار یادداشتی با عنوان «دوقطبی‌سازان علیه پدافند همبستگی» به تندی از اظهارات جلیلی انتقاد کرد. این یادداشت، جنگ تحمیلی اخیر رژیم صهیونیستی علیه ایران را «نبرد شناختی - هویتی» خواند و هشدار داد که سخنان جلیلی مانند «ترکش درونی»، انسجام ملی را هدف گرفته است. این روزنامه نوشت: در این مقطع حساس که بیش از هر زمان دیگری نیازمند تقویت انسجام ملی و هم‌افزایی گفتمانی درون‌زا بودیم، سخنان اخیر قائم‌مقام سازمان صداوسیما، وحید جلیلی و طیف هم‌فکر با او، ناخواسته نقش «ترکش درونی» را ایفا کرد. ترکش‌هایی که نه بر پیکر دشمن بلکه بر سپر همبستگی ملی فرود می‌آید. انتساب گزاره شاذ «برای حفظ وحدت، اسم خدا و پیامبر را نمی‌آورند» به جریان مقابل نیازمند تقویت انسجام ملی و هم‌افزایی گفتمانی درون‌زا بودیم، سخنان اخیر قائم‌مقام سازمان صداوسیما، وحید جلیلی و طیف هم‌فکر با او، ناخواسته نقش «ترکش درونی» را ایفا کرد. ترکش‌هایی که نه بر پیکر دشمن بلکه بر سپر همبستگی ملی فرود می‌آید. انتساب گزاره شاذ «برای حفظ وحدت، اسم خدا و پیامبر را نمی‌آورند» به جریان مقابل در واقع بیش از آنکه یک نقد گفتمانی باشد، نوعی دوگانه‌سازی تصنعی و قطب‌بندی زبانی است که شاکله روایت رسانه ملی را به سوی تقابل‌های فرسایشی سوق می‌دهد».

نقش کیهان در آتش افروزی سیاسی

در سوی دیگر، روزنامه کیهان، به‌جای همدلی با دولت در شرایط سخت کنونی، تلاش کرد از فرصت بحرانی به‌وجود آمده برای حمله به رویکرد سیاست خارجی دولت استفاده کند. روزنامه کیهان نوشت: «این دو هفته خیلی شفاف نشان داد، تحلیل طیفی که برای همه مشکلات فقط یک راه‌حل (مذاکره با آمریکا) ارائه می‌داد- و از قضا آن‌را هم بلد نبود- چقدر پُرت است. این ۱۲ روز نشان داد، چقدر سادوح بودند کسانی که می‌گفتند، آمریکای ترامپ ظرفیت سرمایه‌گذاری ۲۵۰۰ میلیارد دلاری در ایران را دارد (بخوانید قصد سرمایه‌گذاری ۲۵۰۰ میلیارد دلاری در ایران را دارد) و... غرب‌گرایان می‌دانند، پس از عبور از این شرایط خطر، مردم آنها را «رئسو» خواهند کرد لذا بهترین دفاع را «حمله» دیده‌اند. آنها متهمان ردیف اولی هستند که برای «رد گم‌کنی»، ردای «شاکي» بر تن کرده‌اند.

در جلسه علنی روز دوشنبه، دوم ترمه‌ام، نمایندگان مجلس دوازدهم مصوبه‌ای در جهت صیانت از امنیت ملی و مقابله با نفوذ و جاسوسی برداشتند. نمایندگان با تصویب کلیات و جزئیات طرحی با عنوان «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری‌کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی»، فعالیت‌های اطلاعاتی، عملیاتی، فناوریانه و رسانه‌ای در خدمت دشمنان ایران را ذیل عنوان مجرمانه «افساد فی‌الارض» قرار دادند. این طرح که دارای ۹ ماده است، مفاد گسترده‌ای را شامل می‌شود که نه‌تنها فعالیت‌های جاسوسی سنتی بلکه انواع اقدامات فناوریانه‌نوین، همکاری‌های اقتصادی، سایبری و حتی فعالیت‌های تبلیغی و رسانه‌ای در خدمت رژیم صهیونیستی یا دولت‌های متخاصم مانند آمریکا را شامل می‌شود. بر اساس ماده ۱ این قانون، هرگونه همکاری اطلاعاتی یا جاسوسی برای رژیم صهیونیستی یا دولت‌های متخاصم، نظیر ایالات متحده آمریکا، مصداق بارز «افساد فی‌الارض» تلقی شده و مرتکب مشمول مجازات مندرج در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی خواهد شد. این مجازات‌ها تا اعدام را نیز شامل می‌شوند. در ماده ۲ نیز تصریح شده است که حتی کمک‌های غیرمستقیم یا اقدامات مشروعیت‌بخش به رژیم صهیونیستی- از جمله حمایت اقتصادی، فناوریانه، یا سیاسی- در صورت انجام با علم و آگاهی، مصداق افساد فی‌الارض بوده و مرتکب به اشد مجازات محکوم خواهد شد.

یکی از بحث‌برانگیزترین مواد، ماده ۵ است که استفاده، خرید، فروش، حمل یا واردات ابزارهای الکترونیکی ارتباطی اینترنتی فاقد مجوز، مانند تجهیزات شبکه استارلینک، را ممنوع اعلام می‌کند. مجازات این اقدام حبس تعزیری درجه ۶ و ضبط تجهیزات است. در صورتی که واردات یا توزیع این تجهیزات بیش از ۱۰۰ عدد و با هدف مقابله با نظام باشد، مرتکب به حبس تعزیری درجه ۴ محکوم خواهد شد. مطابق ماده ۶ چنانچه جرائم موضوع این قانون در زمان جنگ یا وضعیت‌های امنیتی خاص رخ دهد- بر اساس تشخیص شورای عالی امنیت ملی- مجازات‌ها تا سه درجه تشدید خواهد شد. در این موارد، فرقی نمی‌کند که عامل اصلی جرم از سوی کدام کشور یا گروه باشد بلکه مسئولیت مستقیماً متوجه مرتکب خواهد بود. در ماده ۷ رسیدگی به جرائم موضوع این قانون به‌صورت خارج از نوبت در شعب ویژه دادگاه انقلاب انجام خواهد شد که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند. به‌موجب ماده ۸ مفاد استجازه مقام معظم رهبری در خصوص رسیدگی به جرائم اقتصادی شامل این جرائم نیز خواهد شد. ماده ۹ قانون را بلافاصله لازم‌الاجرا اعلام کرده و تأکید می‌کند اگر جرمی قبل از تصویب قانون شروع شده اما مرتکب یا همدستانش ظرف سه روز خود را به مقامات ذی‌صلاح معرفی نکنند، مشمول مجازات‌های جدید خواهند شد.

یورش تابستانی به اوکراین

آیا روسیه می‌تواند دور جدید پیشروی زمینی خود در اوکراین را محقق کند؟

تک‌وپانک روسیه و اوکراین علیه یکدیگر نه‌تنها به‌صورت کامل قطع نشده بلکه حالا به‌جایی رسیده است که مراکز حیاتی همدیگر را مورد هدف قرار می‌دهند؛ به‌عنوان مثال خبرگزاری رویترز (یک‌شنبه) به‌تقل از مقامات محلی اوکراین اعلام کرد که روسیه شبانه از صدها پهپاد، موشک کروز و بالستیک برای حمله به غرب، جنوب و مرکز این کشور استفاده کرده است؛ در این حمله که منازل و زیرساخت‌های غیرنظامی نیز هدف قرار گرفته‌اند، دست‌کم ۶ نفر جان باخته‌اند. بنابر گزارش رویترز، صدای انفجار در مناطق لوبو (غرب)، پولتاوا (شرق)، میکولایف (جنوب)، دنیپروپتروفسک (شرق) و چرکاسی (مرکز) شنیده شده است.

در این مسیر اما روزنامه دیلی تلگراف در مطلبی با اشاره به طرح‌ریزی حمله گسترده تابستانی روسیه علیه اوکراین با توجه به حجم گسترده تهاجم در جبهه‌های مختلف، شتاب این کارزار را کند توصیف کرد و مدعی شد، روسیه در این حملات با شکست روبه‌رو شده است. این روزنامه انگلیسی در این گزارش مدعی شد که حمله تابستانی روسیه به اوکراین تنها چند هفته پس از آغاز با وجود حملات بی‌سابقه در

ادامه تیتیریک

خیانت گروسی

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین در بخش دیگری از اظهارات خود در این مصاحبه گفت که «ایران احتمالا می‌تواند ظرف چند ماه، تولید اورانیوم غنی‌شده را با وجود اینکه تاسیسات هسته‌ای بر اثر حملات آسیب دیده‌اند، آغاز کند. آنها می‌توانند، به‌نظر من، در مدت چند ماه یا کمتر از آن چند آبشار سانترفیوژ داشته باشند که بچرخند و اورانیوم غنی‌شده، تولید کنند. آنها توانایی‌های صنعتی و فناوری لازم برای انجام این کار را دارند».

مدیرکل آژانس همچنین در پاسخ به این پرسش که «آیا ایران توانسته است بخشی یا تمام ذخایر تخمینی ۴۰۸.۶ کیلوگرمی (۹۰۰پوندی) اورانیوم غنی‌شده خود را از حملات حفظ کند»، اذعان کرد: «ما نمی‌دانیم این مواد کجا می‌توانند باشند؛ بنابراین، ممکن است مقداری از این مواد در حمله نابود شده باشند اما مقداری هم ممکن است جابه‌جا شده باشند؛ بنابراین باید در مقطعی، توضیحی ارائه شود».

گروسی در پایان مصاحبه خود برای فرار از اقدامات و گزارش‌های اخیر خود مدعی شده که «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مثل همیشه، ارزیابی بسیار صادقانه‌ای از وضعیت داشته است؛ می‌توانم به شما اطمینان دهم، افراد زیادی بودند که به ما می‌گفتند شما باید در گزارش‌تان بگویید که آنها سلاح هسته‌ای دارند، یا بسیار نزدیک به داشتن سلاح هسته‌ای هستند و ما این کار را نکردیم. ما به‌سادگی این کار را نکردیم زیرا این چیزی نبود که ما می‌دیدیم». او چند ثانیه بعد، در پاسخ به سوال مجری سی‌بی‌اس در خصوص برنامه هسته‌ای ایران می‌گوید: «ما برنامه‌ای را ندیدیم که در آن جهت باشد اما در عین حال، آنها به سوالات بسیار بسیار مهمی که مطرح بودند، پاسخ نمی‌دادند».

مواضع گروسی قبل از تجاوز اسرائیل به ایران چه بود؟

اگر به اظهارات کنونی گروسی که نزدیک بودن ایران به دستیابی به تسلیحات هسته‌ای را رد می‌کند، توجه کنیم سپس کمی به عقب بازگردیم و به سخنرانی او در نشست شورای حکام آژانس که قبل از شروع تهاجم اسرائیل به ایران در تاریخ ۱۹ اردیبهشت برگزار شد، دقت کنیم به‌وضوح می‌بینیم که او یک موضع رادیکال در قبال برنامه هسته‌ای داشته و ماهیت سخنان او در نشست فصلی شورای حکام هم گویای همین موضوع بوده است. در آن زمان، او با اشاره به اینکه گزارش فصلی‌اش درباره برنامه هسته‌ای ایران است منع گسترش تسلیحات اتمی (ان.پی.تی) با ایران شامل ارزیابی جامع و بروز مسائل باقی‌مانده درباره برنامه هسته‌ای ایران است به‌صراحت بیان کرده که آژانس، ذرات اورانیوم با منشأ انسانی را در هر کدام از سه محل اعلام‌شده در ایران، ازجمله ورامین، مریوان و تورقوزآباد، یافته که در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به آن دسترسی تکمیلی داشته است. گروسی در آن زمان و در شورای

جبهه‌های مختلف با شکست مواجه شده است. این روزنامه با بررسی برخی داده‌های به‌دست آمده از تهاجم یاد شده، نوشت: حجم گسترده حملات مسکو به پیشرفت معناداری در میدان نبرد منجر نشده است. حمله مورد نظر مسکو که از ماه مه (اردیبهشت) میلادی آغاز شده است و برنامه‌ریزی آن از زمستان آغاز شده بود، از مناطق مرزی شمالی «سومی» و «خارکیف» تا خطوط مقدم در «دونتسک» و «دنیپروپتروفسک» امتداد دارد.

تلگراف با اعلام اینکه روسیه در منطقه دونتسک به‌ویژه میان پوکروفسک و کوستیانیتیفکا، پیشرفت‌هایی حاصل کرده، مدعی شده که شتاب این کارزار در حال کاهش است. آنجلیکا ایوانز، تحلیل‌گر امور روسیه در موسسه مطالعات جنگ (ISW) در همین زمینه به تلگراف گفته است: «روسیه در حال حاضر ظرفیت شروع کاری جدید و متمایز را در میدان جنگ ندارد. حمله تابستانی هم ادامه همان کاری است که آنها در بهار انجام دادند». این روزنامه در ادامه با بیان اینکه به‌نظر می‌رسد در سومی، نیروهای روسی کاملاً متوقف شده‌اند، آورده است: «در عوض، اوکراین برخی از مناطق را بازپس گرفته است».

حکام همانند گذشته، مدعی شده بود که ایران چندین بار است که نه پاسخی به سوالات آژانس داده، نه پاسخ‌های موق فنی برای این سوالات ارائه کرده است؛ حتی مدعی شده بود که ایران به‌دنبال پاک‌سازی این محل‌ها بوده که از فعالیت‌های راستی‌آزمایی آژانس، ممانعت به‌عمل آورده است.

او در همان جلسه شورای حکام، اعلام کرده بود که ارزیابی فنی آژانس از تمامی اطلاعات موجود در زمینه مسائل پادمانی، باعث شده است به این نتیجه برسد که این سه محل و دیگر محل‌های احتمالی، بخشی از یک برنامه هسته‌ای ساختارمند اعلام نشده از سوی ایران بوده‌اند که تا اوایل دهه ۲۰۰۰ اجرا می‌شدند و اینکه در برخی از فعالیت‌ها از مواد هسته‌ای اعلام‌نشده، استفاده شده و بر این اساس، آژانس نتیجه گرفته است که ایران، مواد هسته‌ای و فعالیت‌های هسته‌ای مرتبط با این سه محل اعلام‌نشده در ایران را اعلام نکرده است؛ در نتیجه، آژانس در موقعیتی قرار نداشته است که مشخص کند که آیا این مواد هسته‌ای هنوز خارج از چارچوب پادمان‌ها هستند یا خیر.

اعتراض به گروسی و تعلیق همکاری

اظهارات گروسی در شورای حکام و حالا مواضع او در بسیاری از مصاحبه‌ها (به‌خصوص گفت‌وگو با سی‌بی‌اس) به‌خوبی گویای بندبازی سیاسی وی است؛ به‌عبارت دیگر، او یک‌روز به نعل می‌زند و روز دیگر، به میخ؛ همین تضاد مواضع و تعدد و تکرار آن باعث شده است که واکنش‌های تندی علیه او شکل بگیرد. به‌عنوان مثال، چند روز پیش، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین کشورمان در حساب ایکس خود نوشت:



یک افسر منبع امنیتی در دونتسک به تلگراف گفته که «حمله روسیه به‌طور گسترده، متوقف شده است. روس‌ها از نظر نیروی انسانی و پهپادها برتری دارند اما پیاده‌نظام آنها آموزش بسیارضعیفی دیده‌اند». تلگراف، حملات روسیه در منطقه «سومی» را بخشی از تلاش گسترده‌تر مسکو برای ایجاد یک منطقه حائل در امتداد مرز دانسته است که با هدف جلوگیری از حملات مرزی اوکراینی و پهپادها انجام می‌شود؛ کی‌یف از این منطقه به‌عنوان سکوی پرتابی برای حمله ۲۰۲۴ خود به منطقه کورسک در همسایگی روسیه استفاده کرد.

اولکساندر سیرسکی، فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین نیز گفت: «پیشروی روسیه در منطقه مرزی سومی در این

»(پس از آنکه گروسی با گزارش بی‌اساسش در کشتار بی‌گناهان مشارکت کرد، اکنون با خیال‌بافی بی‌پروایش پیرامون مخفی شدن اورانیوم با غایب بالا در اماکن میراث جهانی در اصفهان، زمینه‌ساز یک جنایت دیگر شده است). طریف همچنین نوشت: «آژانس باید خود را از این تنگ خلاص کند» و بار دیگر در انتهای پیام خود از هشتک «اخراج گروسی» استفاده کرد.

گرچه گروسی در مصاحبه خود با سی‌بی‌اس اعلام کرده که «پرونده هسته‌ای ایران راه‌حل نظامی ندارد و به یک توافق و یک نظام بازرسی نیاز است که به همه در منطقه و فراتر از آن، اطمینان دهد که می‌توان به این وضعیت پایان داد» اما مساله اینجاست که این سخنان در حالی بیان می‌شود که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، چهارم تیرماه و با رأی قاطع، طرح «الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس انرژی هسته‌ای» را تصویب کردند؛ همچنین ماده واحده‌ای با دو تبصره در چهارم تیرماه که به فاصله بسیار کوتاهی هم مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت، پنجم تیرماه توسط رئیس مجلس به منظور اجرا به رئیس‌جمهور ابلاغ شد. به‌صورت کلی، طرح مصوب مجلس، سه ممنوعیت را در همکاری ایران و آژانس لحاظ کرده است که عبارت هستند از: ۱- ممنوعیت نصب هرگونه دوربین پادمانی و فریادمانی، ۲- ممنوعیت ورود هرگونه بازرسی یا مامور و ارائه هرگونه گزارش به آژانس و ۳- ممنوعیت هرگونه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تا زمان تأمین امنیت مراکز هسته‌ای و تضمین حقوق هسته‌ای ایران.

در این رابطه سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه (ششم تیرماه) در حساب ایکس خود نوشت: «مجلس ایران به توقف همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رأی داده است تا زمانی که ایمنی و امنیت فعالیت‌های هسته‌ای ما تضمین نشود. این تصمیم نتیجه مستقیم نقش تاسف‌بار رافائل گروسی در پنهان‌کاری این واقعیت است که آژانس، یک دهه پیش، تمام مسائل گذشته را رسماً مختومه اعلام کرده بود. او با این اقدام مغرضانه، مستقیماً زمینه را برای تصویب قطعنامه‌ای با انگیزه سیاسی علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فراهم کرد همچنین حملات غیرقانونی اسرائیل و آمریکا به سایت‌های هسته‌ای ایران را تسهیل کرد».

وزیر امور خارجه کشورمان همچنین تأکید کرد که «رافائل گروسی علاوه بر این به‌شکلی حیرت‌آور و برخلاف وظایف حرفه‌ای خود از محکوم کردن صریح چنین نقض‌های آشکار مقررات پادمانی آژانس و اساس‌نامه آن سر باز زده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مدیرکل آن، مسئول کامل این وضعیت نفرت‌انگیز هستند. اصرار رافائل گروسی بر بازدید از سایت‌های بمباران شده تحت عنوان نظارت پادمانی، بی‌معناست و حتی می‌تواند دارای نیت سوء باشد».

این در حالی است که (یک‌شنبه) مارکو روییو، وزیر امور خارجه آمریکا در شبکه اجتماعی ایکس و در واکنش به مواضع اخیر در محکوم کردن رفتار گروسی نوشت: «درخواست‌ها در ایران برای دستگیری و اعدام مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گروسی، غیرقابل قبول است و باید محکوم شود».



هفته، متوقف شده و خط‌مقدم تثبیت شده است»؛ با این حال مقامات اوکراینی گفته‌اند که روسیه همچنان تلاش می‌کند از مرز منطقه دنیپروپتروفسک عبور کند و به تلاش برای تأمین امنیت کل دونباس در شرق ادامه می‌دهد؛ به‌ویژه که نیروهای روسیه در هفته جاری به یک موفقیت قابل‌توجه دست یافته‌اند؛ تصرف یک معدن ارزشمند لیتیوم در غرب دونتسک. تلگراف با تأکید بر اینکه معدن یادشده، یکی از غنی‌ترین ذخایر شناخته‌شده لیتیوم اوکراین است، تأکید کرده که از دست دادن این معدن، ضربه بزرگی به کی‌یف در مسیر توسعه بلندمدت است؛ به‌ویژه اینکه اوکراین به‌دنبال سرمایه‌گذاری غرب در بازسازی پس از جنگ است.

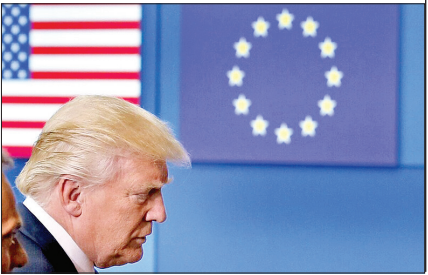
اروپا

غروب اروپا در خاورمیانه

ترامپ چگونه متحدان خود در قاره سبز را از غرب آسیا به حاشیه راند؟

تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای هدف قرار دادن تاسیسات هسته‌ای ایران، بی‌علاقه‌گی کامل او به متحدان سنتی آمریکا در آن سوی اقیانوس اطلس یعنی اتحادیه اروپا را آشکار کرد؛ متحدانی که همگی خواستار خویشتنداری بودند. اکنون مقامات اروپایی تلاش می‌کنند، چهره‌ای شجاعانه از عدم پیوستگی آشکارشان با ایالات‌متحده و بحران فزاینده غرب آسیا نشان دهند. شاید از همه بدتر، این سوءظن مداوم باشد که ترامپ، نه‌تنها همتایان خود در اروپا را نادیده گرفته بلکه از آنها به‌عنوان طعمه‌های ژئوپلیتیکی غول‌پیکری برای فریب ایران استفاده کرده است تا آنها فکر کنند که حمله، قریب‌الوقوع نیست. برای اروپا بهای این ضعف سنگین است؛ از طرف دیگر، جنگ غزه نیز که از اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شده، شکاف شدیدی را در سیاست بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا به‌وجود آورده است. به‌باور کارشناسان اروپایی، حمله آمریکا به ایران، نشان‌دهنده کاهش نفوذ قدرت‌های اروپایی در منطقه است. ترامپ حتی تا ساعات پیش از حمله، آن‌گونه که سخنگوی کاخ سفید گفت، این‌طور نشان می‌داد که می‌خواهد شانس پی دیپلماسی بدهد؛ این از سوی مقامات انگلیس، فرانسه و آلمان به‌عنوان تقویت دیپلماسی در نظر گرفته شد که سابقه همکاری با آمریکا در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران را داشتند. آنها سپس مذاکراتی با طرف ایرانی در ژنو، برنامه‌ریزی کردند و به‌نظر می‌رسد که این مذاکرات، ناگهان وزن بسیار بیشتری پیدا کرده است. مذاکرات بدون پیشرفت به پایان رسید اما تروئیسکی اروپایی اعلام کرد که خواهان ادامه مذاکرات است. وزیران اروپایی در روزهای پس از حمله، اعتراف کردند که کاملاً از این طرح، بی‌اطلاع بودند؛ این، دقیقاً همان نادیده گرفتن اروپایی‌ها توسط ترامپ است!

منبع: پولیتیکو



گزارش تجسمی

هنر التیام‌بخش

روایت **نسرین آراین**

از نقش هنرهای تجسمی در بحران‌ها



نسرین آراین، طراح گرافیک و مدرس دانشگاه در میزگرد خبرگزاری مهر با عنوان «خوانش بصری حوادث غیرمترقبه؛ روایت هنرهای تجسمی در لحظه‌های پیش‌بینی‌نشده» با اشاره به پیوند تاریخی هنر و حوادث گفت: «هنر از گذشته‌های دور، از نقاشی‌های غارها تا اینستالیشن‌های معاصر، همواره همراه با حوادث و تنش‌های اجتماعی بوده و به نظر من، تنها برخورد انسانی با چنین وقایعی از مسیر هنر ممکن می‌شود. هنر می‌تواند روایت‌گر، معترض، التیام‌بخش و حتی بازنمایی زیبایی‌شناسانه‌خشونت در مواجهه با حوادث غیرمترقبه باشد و این چهار رویکرد، جایگاه اصلی هنر در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و انسانی است.»

آراین با تأکید بر این‌که هنر در روایت حوادث، جایگزین گزارش‌های رسمی نیست، تصریح کرد: «هنر، راوی انسان است نه راوی سند. هنر می‌تواند روایت احساسی، انسانی و تأثیرگذار از یک رویداد را ارائه دهد و این وجه تمایز هنر از سایر ابزارهای انتقال خبر است.» او با اشاره به نقش هنرهای تجسمی در روایت‌گری تأکید کرد: «(روایت هنری، لزوماً نباید یک روایت سیاسی یا رسمی باشد؛ بلکه می‌تواند از زوایای بسیار انسانی به موضوع بنگرد و همین ویژگی است که به هنر قدرت ماندگاری و اثرگذاری می‌بخشد.» این طراح گرافیک با بیان این‌که هنر در مواجهه با حوادث می‌تواند چهره‌ای اعتراضی نیز به خود بگنجد، تصریح کرد: «هنرمند می‌تواند در جایگاه معترض، در برابر خشونت‌ها و ناگواری‌ها بایستد و اثر هنری‌اش را به واکنشی صریح تبدیل کند. این اعتراض هنری می‌تواند گاهی علیه جنگ، گاهی علیه شرایط انسانی و گاهی حتی علیه نوع روایت رسمی از حادثه شکل بگیرد. هنر اعتراضی لزوماً محصول سفارشی یا هدایت‌شده نیست. هنرمند خود تصمیم می‌گیرد که چگونه با رویداد مواجه شود و چه موضعی اتخاذ کند.» او با اشاره به ظرفیت التیام‌بخشی هنر تأکید کرد: «یکی از مهم‌ترین کارکردهای هنر در مواجهه با حوادث غیرمترقبه، کمک به بازسازی روحی و روانی افراد به‌ویژه کودکان و غیرنظامیان است. مفهومی که امروز با عنوان «هنر درمانی» شناخته می‌شود، دقیقاً در چنین بستری معنای پیدا می‌کند. هنر می‌تواند فضای تنش، ترس و خشونت را به یک مواجهه انسانی و امیدبخش تبدیل کند و این فرآیند، نقشی حیاتی در مدیریت تبعات اجتماعی حوادث ایفا می‌کند.» آراین با طرح یک پرسش مهم دربارهٔ زیبایی‌شناسی خشونت گفت: «هنر می‌تواند خشونت و زشتی‌های یک حادثه را با زبانی زیبا روایت کند اما آیا این کار درست است؟ آیا بازنمایی زیبایی‌شناسانه از خشونت، به معنای تلطیف و توجیه آن نیست؟ یا می‌تواند به عمق فاجعه بیشتر اشاره کند؟ این تناقض یکی از پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین وجوه هنر در مواجهه با حوادث غیرمترقبه است که هر هنرمند باید بر اساس درک شخصی و تعهد اجتماعی خود به آن پاسخ دهد.»

او در ادامه با مقایسه هنر دوران دفاع مقدس و امروز گفت: «در دوران دفاع مقدس، ابزارهای انتقال پیام محدود بود و هنرمندان مجبور بودند از رسانه‌های رسمی و امکانات سنتی استفاده کنند اما امروز با توسعه رسانه‌های نوین، هنرمندان می‌توانند در لحظه و بدون واسطه، اثر خود را به مخاطبان جهانی ارائه دهند. ذات هنرمند تغییر نکرده است؛ تنها ابزارها و سرعت انتقال اثر متفاوت شده است. هنرمندان امروز به کمک فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند، بازتاب گسترده‌تری از اثر خود داشته باشند.»

نسرین آراین در بخش دیگری از سخنان خود به محدودیت‌های رسانه‌ای در روزهای اخیر اشاره کرد و گفت: «اگر امروز کمتر شاهد آثار هنری در واکنش به اتفاقات اخیر هستیم، دلایل این نیست که هنرمندان فعال نبوده‌اند بلکه به دلیل محدودیت‌های اینترنت و فضای رسانه‌ای است که هنوز آثار خلق شده به دست مخاطبان نرسیده است. هنرمندان حتماً تحت تأثیر این روزها، آثاری خلق کرده‌اند اما زمان می‌برد تا این آثار در گالری‌ها و فضای عمومی عرضه شود. آثار هنری این روزها، بدون شک در آینده‌ای نزدیک به نمایش گذاشته خواهند شد. هنر همیشه واکنش طبیعی و انسانی به حوادث غیرمترقبه است و هنرمند نیاز به فرمان یا سفارش ندارد. هنرهای تجسمی می‌توانند روایت‌گر، معترض، التیام‌بخش و حتی چالشی باشند و این چندوجهی بودن هنر، ارزش آن را در مواجهه با تحولات اجتماعی و انسانی دوچندان می‌کند.»

کافه

تازه‌های ادب و هنر

مراقبت از میهن

علی میرسپاسی در **کشف ایران**

به نقش تقی ارانی در شکل‌گیری گفتمان ملی‌گرایی مدنی در ایران می‌پردازد

«کشف ایران: تقی ارانی و جهان وطن‌گرایی رادیکال او» نوشته علی میرسپاسی، با هدف کشف دوباره «آیده ایران» از خلال مطالعهٔ زندگی و آثار تقی ارانی، بنیان‌گذار مجلهٔ «دنیا»، به بازنگری تاریخ ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) ایرانی می‌پردازد. نشر نی این کتاب را با ترجمهٔ رامین کریمیان منتشر کرده است.

علی میرسپاسی، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز علوم سیاسی ایرانی-آمریکایی، استاد دانشگاه نیویورک است. او نویسندهٔ کتاب‌های متعددی در زمینه تاریخ و سیاست ایران است، از جمله: «تأملی در مدرنیتهٔ ایرانی»، «دموکراسی یا حقیقت»، «روشنگرایی و بیم و امیدهای روشن‌فکران در ایران» و «اخلاق در حوزهٔ عمومی». میرسپاسی در «کشف ایران» به بررسی زندگی و اندیشه‌های تقی ارانی، یکی از چهره‌های برجستهٔ روشن‌فکری ایران در اوایل قرن بیستم می‌پردازد. میرسپاسی با زبانی دقیق و تحلیلی به بررسی اندیشه‌های ارانی می‌پردازد. او با استفاده از منابع متعدد و متنوع، تصویری جامع و چندبعدی از زندگی و آثار ارانی ارائه می‌دهد. تقی ارانی که به عنوان بنیان‌گذار اولین مجلهٔ مارکسیستی ایران شناخته می‌شود، نقش مهمی در شکل‌گیری گفتمان‌های ملی‌گرایانه و چپ‌گرایانه در ایران ایفا کرد. میرسپاسی در این کتاب نشان می‌دهد که چگونه ارانی تلاش کرد تا با تلفیق ایده‌های مارکسیستی و جهان‌وطنی، روایتی جدید از ملی‌گرایی ایرانی ارائه دهد که با ناسیونالیسم قومی و انحصارطلبانه رایج در آن دوران متفاوت بود. کمال مطلوب ارانی این بود که ایران آینده با تنوع و تکرر مردمانش پا در راه پیشرفت‌های علمی و جهان مدرن بگذارد. در اندیشهٔ ملی‌گرایانه او، که در میان جمععی کوچک ولی پرنفوذ از اندیشمندان ایرانی مقیم شهر برلین شکل گرفته بود، قرارتی خاص از مارکسیسم با نوعی اخلاق جهان‌وطن‌گرایانه برای

کشف ایران

تقی ارانی و جهان

وطن‌گرایی رادیکال او

علی میرسپاسی

ترجمهٔ رامین کریمیان

نشر نی

۲۸۴ صفحه

۳۵۰ هزار تومان

گزارش:سینمای جهان

فرار اخلاقی

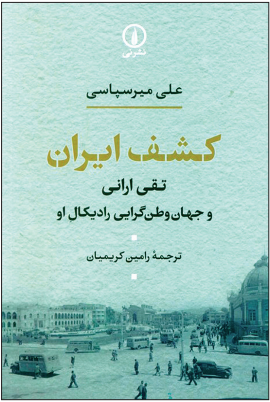
جیمز کامرون از نولان برای نشان ندادن فجایع در اوپنهايمر انتقاد کرد

در حالی که فیلم «اوپنهايمر» ساخته کریستوفر نولان با تحسین‌های گسترده‌ای روبه‌رو شد، نبود تصویری مستقیم و مشخص از تأثیر بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی بر مردم ژاپن، همچنان یکی از نقاط بحث‌برانگیز فیلم باقی مانده است؛ موضوعی که کارگردان‌هایی همچون «اسپایک لی» نیز به آن اعتراض کرده و آن را نوعی نادیده گرفتن رنج واقعی قربانیان دانسته‌اند.

حالا جیمز کامرون، کارگردان برجسته‌ای که خود مشغول پروژه «آخرین قطار از هیروشیما» با محوریت فاجعه بمب اتم هیروشیماست در گفت‌وگویی به‌صراحت از رویکرد نولان در این باره انتقاد کرده است. کارگردان «آواتار» گفت: جالب است که نولان از چی دوری کرده است. من فیلم‌سازی‌اش را تحسین می‌کنم اما به نظر، این یک‌جور فرار اخلاقی بود چراکه واقعاً «اوپنهايمر» نمی‌توانست از اثرات بمب بی‌خبر باشد. در فیلم فقط یک صحنه خیلی کوتاه هست که او جنازه‌های سوخته را در ذهنش می‌بیند و بعد هم

پیشرفت کشور تلفیق شده بود. او ایرانیان را به «مراقبت از میهن» دعوت می‌کرد. در ذهن او وطن‌پرستی عبارت بود از این‌که: «تودهٔ مردم از زمین و آب و آفتاب و معدن یک سرزمین حیات خود را تأمین می‌کنند و در آن سکنا دارند و بدان علاقه دارند.» شاید بتوان گفت ملی‌گرایی ارانی، ملی‌گرایی مدنی و در ادامهٔ مطالبات عصر مشروطه بود.

علی میرسپاسی در کتابش ضمن بررسی فضاهای فکری و روشن‌فکری که ملی‌گرایی مدنی در آن‌ها نشو و نما می‌یافت به نقد تصویر و تصویری می‌پردازد که در دولت پهلوی اول از کشور ایران ارائه می‌شد. «کشف ایران» کاوشی دقیق و روشن‌گر دربارهٔ شخصیتی است که تا حد زیادی در تاریخ‌نگاری ایران مدرن نادیده گرفته شده است: این کتاب که در سال ۲۰۲۱ توسط انتشارات دانشگاه هاروارد منتشر شده، زندگینامه فکری عمیقی از ارانی ارائه می‌دهد؛ فردی که زندگی و اندیشه‌اش، لحظه‌ای تعیین‌کننده در شکل‌گیری مدرنیتهٔ ایرانی در اوایل قرن بیستم بود. میرسپاسی از طریق تحقیقات دقیق بایگانی و دیدگاه نظری تیزبینانه، ارانی را به عنوان هم‌سخنی مهم در جریان‌های جهانی مارکسیسم، جهان‌وطنی و ناسیونالیسم ضداستعماری دوباره معرفی می‌کند. علی میرسپاسی به ارانی نه به عنوان یک حاشیه در ظهور سیاست چپ ایران بلکه به عنوان متفکری پویا که با چالش‌های فلسفی و سیاسی زمان خود درگیر بوده، می‌نگرد. در قلب کتاب، استدلالی قانع‌کننده نهفته است: دیدگاه ارانی نه صرفاً آیدئولوژیک بلکه عمیقاً جهان‌وطنی بود که ریشه در تعامل انتقادی با اندیشهٔ روشنگرایی اروپایی و هویت فرهنگی ایرانی داشت. او به دنبال ترکیبی بود که ایران را از نظر فکری و سیاسی در برابر سلطه استعماری توانمند سازد، بدون آن‌که ارتباط خود را با ویژگی‌های فرهنگی‌اش از دست بدهد. کتاب با بررسی سال‌های شکل‌گیری ارانی در آلمان



علی میرسپاسی

کشف ایران

تقی ارانی

و جهان‌وطن‌گرایی رادیکال او

ترجمهٔ رامین کریمیان



مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپار چه)

نوبت اول – مناقصه شماره ۰۳۴۰۰۶۷ خرید قطعات سیستم کنترل DCS DELTA V – ساخت داخل

۱-نوع مناقصه: دو مرحله‌ای - مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپار چه)

۲- نوع فراخوان: عمومی .

۳-نام ونشانی مناقصه‌گذار: شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد (S.G.P.C) به آدرس : مشهد، خیابان آبکوه، نبش دانشسرای شمالی، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد= دبیر خانه کمیسیون مناقصات.

راه های ارتباطی:
تلفن مسوول کمیسیون مناقصات و کمیته فنی بازگانی: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۳

تلفن دبیر کمیسیون مناقصات: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۴۵

تلفن دبیرخانه کمیته فنی بازگانی: ۰۵۱-۳۷۲۹۸۰۵۵

تلفن دبیرخانه کمیسیون مناقصات: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۴

نمابر دبیر خانه کمیسیون مناقصات و کمیته فنی بازگانی: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۳

آدرس پست الکترونیک: Tender@Nige-Khangiran.ir

۴- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیندراجاع کار: تضمین های اعلام شده در آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی به مبلغ ۵۷۵،۰۰۰ ریال (شانزده میلیارد و دویست و چهل میلیون و پانصد و هفتادو پنج ریال).

۵- نحوه و مهلت دریافت اسناد : متقاضیان می‌توانند تا ساعت ۱۸:۵۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ ، نسبت به دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و با شماره فراخوان ۰۰۴۰۹۲۱۳۴۰۰۰۴۸ در سامانه اقدام نمایند. لازم به

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

نشان می‌دهد که چقدر این موضوع روی او تأثیر گذاشته است اما به نظر من، فیلم واقعیت ماجرا را دور زد. شاید خود نولان یا استودیو از ترس حساسیت موضوع، سراغ آن نرفتند اما من دقیقاً می‌خواهم بروم سراغ همان نقطه حساس .

کامرون ادامه داد: نولان در دفاع از تصمیم خود، بارها گفته است که روایت فیلمش کاملاً از زاویه دید «اوپنهايمر» است و نمایش مستقیم فجایع ژاپن، پیوستگی احساسی و ساختاری فیلم را از بین می‌برده است؛ با این حال، صحنه‌ای در انتهای فیلم که «اوپنهايمر» مقابل پروژکتور نشسته است و قادر به تحمل تصاویر خرابی‌ها نیست، یکی از لحظات تکان‌دهنده و تأثیرگذار فیلم از نظر بسیاری از منتقدان است. این کارگردان با تأکید بر اینکه در فیلم هیچ نشانی از فاجعه به‌وجود آمده بر اثر استفاده از بمب‌های اتم وجود ندارد، تأکید کرد: نولان در این فیلم بیشتر بر رنج درونی، احساس گناه و بحران اخلاقی تمرکز کرده که در مسیر ساخت بمب اتم، ذهن «اوپنهايمر» را تسخیر کرده است؛ نه‌تنها خبری از نمایش



شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد (فناگiran)
(سهامی خاص)

ذکر است تمامی مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.

۶- آخرین مهلت ارسال پاکت های پیشنهاده: متقاضیان بعد از دریافت اسناد مناقصه از سامانه مذکور می‌بایست حداکثر تا ساعت ۱۸:۵۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۲، اسناد مناقصه تکمیل شده را به همراه مدارک مورد نیاز در سامانه بارگزاری و ثبت نمایند.

۷- محل و زمان گشایش پیشنهادات: پس از بررسی پیشنهاد های فنی بازگانی شرکت ها (ارزیابی فنی بازگانی)، پакتهای مالی شرکت‌های واجد شرایط در ساعت ۰۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۶، در محل اتاق کنفرانس اداره مشهد (دفتر آبکوه) به آدرس مشهد، خیابان آبکوه، نبش آبکوه (دانشسرای شمالی)، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد، با حداقل سه پیشنهاد تایید شده فنی بازگانی گشایش خواهد یافت. لازم به ذکر است تاریخ و مکان اعلام شده (تاریخ گشایش پیشنهادهای مالی) قطعی نبوده و با توجه به روند ارزیابی امکان تغییر وجود خواهد داشت.

همچنین جلسه تفکیک پاکت مناقصه در ساعت ۰۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۹ در محل مذکور برگزار خواهد شد و پیشنهادات فنی (پاکت ب) برای انجام ارزیابی فنی به کمیته فنی /بازگانی ارسال خواهد گردید. در صورت تمایل نماینده مناقصه گر می‌توانند با در دست داشتن اصل معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر در جلسه مذکور شرکت نمایند.

ضمناً با توجه به این که مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) می باشد، لذا لازم است مناقصه گران علاوه بر تکمیل و بارگزاری اسناد ارزیابی کیفی و مستندات مربوطه نسبت به بارگذاری همزمان پاکت (الف)، (ب) و (ج) نیز در سامانه اقدام نمایند.

روابط عمومی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد



حال و هوای تازه شبکه خانگی

سریال‌های تازه در راهند تا فضای شبکه نمایش خانگی را تغییر دهند

شبکه خانگی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه سوت و کور بود. نه قسمت‌های جدید سریال‌های قبلی پخش شدند و نه اینکه سریال تازه مانند «شکارگاه» ساخته نیما جاویدی در موعد مقرر منتشر شد و پخش آن به تعویق افتاد. اما پس از یک هفته پخش سریال‌ها و برنامه‌های دیگر از سر گرفته شد. با همه اینها، سریال‌های تازه‌ای در راهند که یکی از دیگری مهم‌تر و کنجکاوی‌برانگیزتر به نظر می‌رسند. چهار سریال آماده انتشار هستند که به مرور هر یک از آنها به ابتدای صف پخش می‌رسند. از «تاسیان» تنها چند قسمت باقی مانده که مرداد ماه به پایان می‌رسد و سریال تازه‌ای جای آن را خواهد گرفت.

«شکارگاه» نیما جاویدی قرار بود هفته گذشته منتشر شود که پخش آن به تعویق افتاد. انتشار قطره‌چکانی اطلاعات سریال و تصاویر بدیع و کارت پستی‌اش به‌خصوص حضور پرویز پرستویی در آن به اندازه کافی کنجکاوی برانگیخته است. به‌خصوص که سریال قبلی نیما جاویدی «آکتور» هم یکی از مجموعه‌های قابل قبول شبکه نمایش خانگی بود. نیما جاویدی کارگردان گزیده‌کاری است. «ملبورن» نخستین فیلمش مورد توجه منتقدان قرار گرفت و دومین فیلم سینمایی‌اش «سرخ‌پوست» هم مورد توجه مردم و منتقدان بود. تنها سریالش «آکتور» هم اثر موفقی از کار درآمد. در واقع «شکارگاه» چهارمین اثر تصویری اوست. انتظارها برای دیدن سریال در انتهای این هفته برآورده خواهد شد. پرویز پرستویی (در نقش میر عطا خان سرهنگ) نقش اول سریال شکارگاه است. الهام پاونژاد (در نقش ملوک خاتون)، بهنوش طباطبایی، مهدی حسینی‌نیا (در نقش بهادر)، سوگل خلیق (بازیگر نقش گلاب)، الهام نامی (بازیگر نقش سیمین)، عرفان ابراهیمی (بازیگر نقش یحیی) و... هم دیگر چهره‌هایی هستند که تاکنون به‌عنوان بازیگران این سریال معرفی شده‌اند.

«هزار و یک شب» پروژه بلندپروازانه مصطفی کیایی، یکی دیگر از سریال‌های کنجکاوی‌برانگیز شبکه نمایش خانگی است. با گروهی از شناخته‌شده‌ترین بازیگران تمام این سال‌های سینما و تلویزیون، پروژه‌ای بین‌المللی که در تولیدش از بازیگران ترکیه‌ای هم استفاده شده است. احتمالاً و بر اساس تیم بازیگری سریال که از پرویز پرستویی، هدیه تهرانی، بهرام رادان و سحر دولتشاهی به اضافه گروهی از بازیگران ترکیه‌ای تشکیل شده باید یکی از گران‌ترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی باشد که بخشی از فیلمبرداری در ترکیه و بخشی دیگر در ایران انجام شده است. داستان هم ظاهراً همان روایت کلاسیک هزارویک شب خواهد بود با رعایت همان فضای قدیمی داستان که در بغداد روی می‌دهد. اما هزارویک شب مشکلاتی هم دارد که باید دید کیایی چگونه از پس آن برآمده است. این مجموعه که احتمالاً از اواسط یا اواخر همین تابستان پخش آن شروع خواهد شد، سریالی است که فیلمو بسپار روی آن حساب کرده است و می‌توان حدس زد که تبلیغات وسیعی هم برایش انجام بگیرد.

«محکوم» با حضور پژمان جمشیدی پرکار، نخستین سریال سیامک مردانه در مقام کارگردان است. او به عنوان دستیار کارگردان در سریال‌های بسیاری مثل «زخم‌کاری» حضور داشت و «محکوم» نخستین اثر او به عنوان کارگردان است. گروه بازیگران سریال جدا از پژمان جمشیدی از ساره بیات، الهام کردا، سیامک انصاری، مهران غفوریان و... تشکیل شده است. اطلاعات راجع به سریال بسیار اندک است. خلاصه‌ای از داستان منتشر نشده و تنها ژانر آن به عنوان سریالی اجتماعی معرفی شده است.

آخرین سریال آیدا پناهنده «در انتهای شب» بسیار مورد توجه قرار گرفت و بحث بر سر آن به شبکه‌های اجتماعی هم رسید. اما پناهنده در یک چرخش جالب و بعد از آن فضای شهری و مدرن در «جادوی سفید» سراغ داستانی تاریخی رفته است و سریالش با بازی پارسا پیروفرز، علی شادمان و پردیس پورعابدینی از اواخر دوران قاجار شروع و احتمالاً تا انتهای پهلوی اول را در بر خواهد گرفت. جزئیات چندانی هم از این مجموعه منتشر نشده است. داستان از سال ۱۲۵۰ شروع و چهار دهه را در بر خواهد گرفت. یعنی تا سال ۱۳۳۰. این نخستین‌باری است که آیدا پناهنده سراغ داستانی تاریخی می‌رود. او در مجموع همیشه آثاری معاصر و اجتماعی را در کارنامه کاری‌اش داشت.

نخستین خبرها پیرامون سریال تازه امیرحسین ترابی بر اساس یک خبر نادرست شکل گرفته است. سریال «برتا» اسپین‌آفی از سریال «خونسرد» نیست. شاید تنها حضور شهرام حقیقت‌دوست در این مجموعه آن هم در نقش پلیس باعث ایجاد چنین سوءتفاهمی برای اکثر سایت‌های خبری از جمله «ایرنا» شده باشد. امیرحسین ترابی، کارگردان سریال برتا در گفت‌وگو با صبا چنین خبری را تکذیب کرد.

سریال قبلی ترابی یعنی «خون‌سرد» از همان ابتدا به دلیل شباهت‌هایش با «دکستر» برای علاقمندان ژانر پلیسی جذاب شد. سریالی که در نهایت درصد رضایت بینندگانش بیش از ۸۰ درصد بود.



شکارگاه



در پایان، مطالعه میرسپاسی هم بازیابی علمی و هم مداخله‌ای سیاسی است. این کتاب خوانندگان را دعوت می‌کند تا تبارشناسی مدرنیسم ایرانی را از دریچه‌ای پیچیده‌تر و جهان‌شهری‌تر بازاندیشی کنند؛ دریچه‌ای که در آن چهره‌هایی مانند تقی ارانی صرفاً پیشگامان ایدئولوژی‌های بعدی نیستند بلکه خود متفکرانی اصیل به شمار می‌آیند.

میرسپاسی در سخن پایانی کتاب دربارهٔ هدفش از تحقیق دربارهٔ تقی ارانی می‌نویسد: «هدف از تحقیق دربارهٔ تقی ارانی آن بود که نشان دهیم او با آن‌که در سال‌های بین دو جنگ جهانی در معرض حملهٔ جریان‌های فکری غالب زمان، یعنی بومی‌گرایان مذهبی و ملی‌گرایان شوونیست بوده، در تلاش‌هایش برای جان تازه دمیدن به آن‌چه می‌توان آن را روشنگری ایرانیان خواند یک‌ه و تنها بود. نقد و انتقاد او از گرایش‌های ضدمدرن نهفته در بطن آن جریان‌های انزواطلب روی‌گردانده از جهان، پس آگاهانه و دورنگرانه بود.»

میرسپاسی با بررسی زندگی فکری و سیاسی ارانی به این نتیجه رسیده که متفکرانی چون ارانی که گستردگی دامنهٔ ذهن و اندیشه‌شان کم‌تر عرصهٔ فکری را بکر و ناپیموده می‌گذاشت از فرصت سیاسی و فضای باز پدید آمده بر اثر مصادف دورهٔ بین دو جنگ جهانی بهره گرفتند و افق فکری ایران را باز و گسترده کردند. به اعتقاد میرسپاسی، ارانی بسا به کار گرفتن نقد علنی، منطق مکالمه‌ای و گفت‌وگویی تغییر اجتماعی را به همهٔ ارزیابی‌های خود از پیشرفت و توسعه و عدالت وارد کرد.

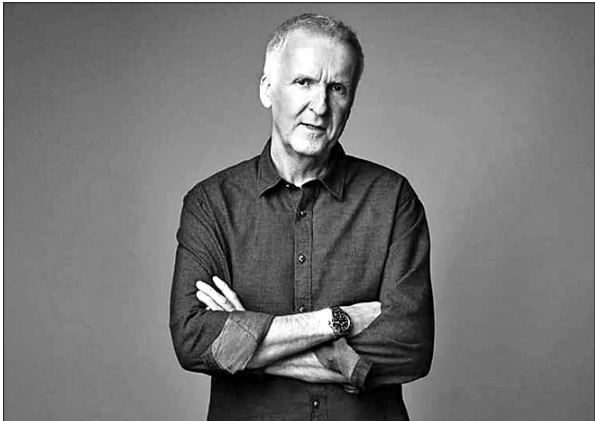
این فیلم، داستان واقعی یک مرد ژاپنی را در طول جنگ جهانی دوم تصویر خواهد کرد که از دو بمباران اتمی، جان سالم به‌در برده است؛ او پس از اینکه از انفجار در هیروشیما جان سالم به‌در می‌برد، با قطار به ناکازاکی می‌رود و آنجا، انفجار دیگری را تجربه می‌کند. پلگرنو هم در «آواتار»، هم در «تایتانیک»، مشاور علمی کامرون بوده و کامرون بیش از ۲۰ سال است که به نمایش این ماجرا روی پرده بزرگ علاقه‌مند بوده است. این پروژه اولین پروژه غیرآواتاری کامرون از سال ۱۹۹۷ که او «تایتانیک» را اکران کرد، محسوب می‌شود. نزدیک به ۳۰ سال است که جیمز کامرون، فیلمی بیرون از دنیای «پاندورا» برای سینمای جهان نساخته؛ موضوعی که ممکن است این تصور را ایجاد کند که او ارتباطش را با دنیای واقعی از دست داده است؛ اما اگر فیلم «آواتار: راه آب» محصول سال ۲۰۲۲ را دیده باشید، به‌خوبی متوجه می‌شوید که کامرون کاملاً از آنچه در سیاره ما می‌گذرد، آگاه است. در این فیلم، نظامیان و شرکت‌های چندملیتی ضدقهرمان‌اند و ساکنان بومی پاندورا به‌وضوح نقش قهرمان را دارند؛ هرچند که در میان خود نیز اختلاف‌نظرهایی دارند. جیمز کامرون هیچ‌گاه از دغدغه جنگ هسته‌ای فاصله نگرفته است و حالا تصمیم دارد با اقتباس از کتاب جدید چارلز پلگرنو با نام ارواح هیروشیما، بار دیگر توجه جهان را به این مساله جلب کند؛ اما چرا حالا؟ چون به‌گفته خودش، فیلم «اوپنهایمر» ساخته کریستوفر نولان در مواجهه با این موضوع، راه را اشتباه رفته است.

«نابودگر»، «بیگانه‌ها»، «ورطه»، «نابودگر ۲: روز داوری» و «دروغ‌های حقیقی» از دیگر فیلم‌های این کارگردان برنده اسکار هستند.



بین دو جنگ جهانی آغاز می‌شود؛ جایی که او شیمی و فیزیک خواند و با گفتمان‌های مارکسیستی و ضدفاشیستی روبه‌رو شد. این تجربیات اساساً نقد او را از ذات‌گرایی شرق‌شناسانه و محافظه‌کاری سنت‌گرا شکل داد. میرسپاسی تکامل فکری ارانی را دنبال می‌کند و نشان می‌دهد چگونه مواجهه او با فلسفه و علم آلمانی با تلاش‌هایش برای بازتعریف هویت ملی ایرانی از طریق لنز سکولار و ماتریالیستی، تلاقی کرد. فصل‌های بعدی به بازگشت ارانی به ایران و تأسیس «دنیا» می‌پردازد؛ مجله‌ای که به بستری برای تعامل انتقادی با جامعه، تاریخ و ایدئولوژی ایران تبدیل شد. میرسپاسی نوشته‌ها و تصمیمات ویراستاری ارانی را به دقت تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد چگونه او در پی بازتعریف هویت ایرانی از طریق ماتریالیسم تاریخی بود، در حالی که نسبت به مارکسیسم، جزم‌اندیشانه تردید داشت. برداشت ارانی از «شخصیت ملی» ذات‌گرایانه نبود و ریشه در تجربهٔ تاریخی و شرایط اجتماعی اقتصادی داشت.

از نظر موضوعی، «کشف ایران» به پرسش‌هایی دربارهٔ مدرنیته، هویت و اخلاق مسئولیت فکری می‌پردازد. میرسپاسی نشان می‌دهد چگونه دیدگاه ارانی در مورد ایران مدرن با گشودگی رادیکال به ایده‌های جهانی شکل گرفته اما در عین حال مبتنی بر تعهد به عدالت اجتماعی و آرمان‌های دموکراتیک بوده است. این کتاب هم‌چنین بر پایان غم‌انگیز ارانی - دستگیری و درگذشت او در سال ۱۹۴۰- پرتو می‌افکند و اهمیت بالای مخالفت فکری در محیط‌های اقتدارگرا را برجسته می‌کند.



تصویری فاجعه نیست بلکه هیچ لحظه‌ای هم در فیلم یافت نمی‌شود که این دستاورد علمی را جشن بگیرد. بر اساس این گزارش، کامرون قصد دارد کتاب «اشباح هیروشیما» و کتاب «آخرین قطار از هیروشیما» پلگرنو که سال ۲۰۱۵ منتشر شده‌اند را در یک فیلم، ترکیب و اقتباس کند و هر زمانی که تولید «آواتار» اجازه داد، کار فیلم‌برداری آن را شروع کند. عنوان این فیلم «آخرین قطار از هیروشیما» خواهد بود.

آگهی مناقصه عمومی



- مهلت دریافت اسناد مناقصه تا ساعت ۱۸ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ می باشد
- مهلت ارائه پیشنهادات تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ می باشد
- زمان بازگشایی پاکت ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ می باشد
- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گر جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت
- الف: آدرس: استان قزوین- شهر الوند- بلوار شهرداری- شهرداری الوند واحد امور قراردادهای شماره تماس ۰۲۸۲۲۲۲۱۲۲ داخلی ۱۹۹
- ب- اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۴۱۹۳۴-۰۲۱ و دفتر ثبت نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱

ردیف	عنوان مناقصه	نحوه انجام کار	شماره فراخوان
۱	اجرای اسکلت بتنی پروژه مشاغل غیر مزاحم	مناقصه عمومی	۲۰۰۴۰۵۱۰۰۰۰۰۰۰۳

شهرداری الوند در نظر دارد اجرای اسکلت بتنی پروژه مشاغل غیر مزاحم را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید لذا متقاضیان می توانند از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰۳ به شرح ذیل اقدام نمایند

- کلیه مراحل بارگذاری اسناد مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه ، مناقصه گر و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه سامانه ستاد الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گر در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند
- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است
- هزینه نشر آگهی و سامانه ستاد بر عهده برنده مناقصه می باشد
- در صورتیکه برندگان منتخب حاضر به انعقاد قرارداد نگردند سپرده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد (سامانه ستاد) مناقصه مندرج می باشد
- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ می باشد

دیدگاه: یادداشت روز

خیز اوپک پلاس

قیمت نفت به کدام سو می‌رود؟

مهتا معرفت

مترجم

تصمیم اخیر اوپک‌پلاس برای افزایش تولید نفت به میزان ۴۱۱ هزار بشکه در روز از ماه آگوست، نقطه عطفی در استراتژی این ائتلاف برای بازتعریف جایگاه خود در بازار جهانی انرژی است. این اقدام که در بحبوحه تحولات ژئوپلیتیکی و بازتعریف معادلات انرژی جهان انجام می‌شود، نشان‌دهنده تلاش اوپک‌پلاس برای بازیس‌گیری سهم بازار از رقبای غیرعضو به‌ویژه ایالات‌متحده و پاسخ به چشم‌انداز رشد تقاضای جهانی در فصل تابستان است. با این تصمیم مجموع افزایش تولید اوپک‌پلاس در سال ۲۰۲۵ به ۱/۸ میلیون بشکه در روز می‌رسد که معادل بیش از ۱/۵ درصد از تقاضای جهانی نفت است. این حرکت نه تنها یک تغییر بنیادین در سیاست‌گذاری انرژی این ائتلاف را نشان می‌دهد بلکه واکنشی به تنش‌های داخلی، کاهش اخیر قیمت‌ها و نیاز به جبران سهم ازدست‌رفته در بازار است. بازار جهانی نفت در ماه‌های اخیر تحت فشار عوامل متعددی قرار داشته است؛ از یک سو، تولیدکنندگان غیرعضو اوپک‌پلاس، به‌ویژه شرکت‌های شیل ایالات متحده، با افزایش تولید خود توانسته‌اند بخشی از سهم بازار این ائتلاف را تصاحب کنند و از سوی دیگر، نوسانات ژئوپلیتیکی از جمله تنش‌ها در خاورمیانه و مذاکرات مرتبط با توافقات بین‌المللی بر عرضه و قیمت نفت تأثیر گذاشته‌اند؛ هم‌زمان، برخی اعضای اوپک‌پلاس مانند نیجریه و آنگولا به‌دلیل چالش‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری نتوانسته‌اند به سهمیه‌های تولید خود پای‌بند بمانند که این امر فشار مضاعفی بر دیگر اعضا به‌ویژه عربستان سعودی و روسیه وارد کرده است. کاهش اخیر قیمت‌های جهانی نفت که به زیر ۸۰ دلار در هر بشکه رسیده نیز انگیزه‌ای برای این تصمیم بوده زیرا اوپک‌پلاس به دنبال تثبیت قیمت‌ها در سطحی است که بودجه کشورهای عضو را تأمین کند. افزایش تولید اوپک‌پلاس در ماه آگوست با پیش‌بینی رشد تقاضای جهانی در تابستان هم‌راستا است. گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) و اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) نشان می‌دهند که تقاضای جهانی نفت در فصل تابستان به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل و گردشگری، احتمالاً افزایش خواهد یافت؛ این امر به اوپک‌پلاس این فرصت را می‌دهد که با افزایش عرضه، هم از رشد تقاضا بهره‌مند شود، هم فشار رقibای غیرعضو را کاهش دهد. با این حال این تصمیم بدون ریسک نخواهد بود؛ افزایش تولید در شرایطی که برخی اعضا همچنان با محدودیت‌های تولید مواجه هستند، می‌تواند به عدم تعادل در بازار منجر شود. همچنین اگر تقاضای جهانی به‌دلیل عوامل غیرمنتظره مانند رکود اقتصادی یا تحولات ژئوپلیتیکی جدید کاهش یابد این افزایش تولید ممکن است به افت بیشتر قیمت‌ها منجر شود. با وجود این چالش‌ها، تصمیم اوپک‌پلاس نشانه‌ای از اعتماد این ائتلاف به توانایی خود در مدیریت بازار است. تقویت همکاری میان اعضای کلیدی مانند عربستان سعودی و روسیه همچنین تلاش برای حل تنش‌های داخلی می‌تواند به اجرای موفق این استراتژی کمک کند؛ افزون بر این، تمرکز اوپک‌پلاس بر حفظ انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری ازجمله امکان بازیگری سهمیه‌ها در جلسات آتی، نشان‌دهنده رویکردی محتاطانه اما تهاجمی برای حفظ جایگاه این ائتلاف در بازار جهانی است. در نهایت، این تصمیم می‌تواند به تثبیت بازار نفت در تابستان ۲۰۲۵ کمک کند؛ به‌شرطی که اوپک‌پلاس بتواند تعادل بین عرضه، تقاضا و رقابت را به‌درستی مدیریت کند. این حرکت نه تنها بر قیمت‌های جهانی نفت نیست بلکه بر اقتصاد کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نیز تأثیر عمیقی خواهد گذاشت. قیمت نفت در سال ۲۰۲۵ احتمالاً در محدوده ۷۰ تا ۱۰۰ دلار نوسان خواهد کرد. برخی تحلیل‌گران مانند ولت اینوستور، پیش‌بینی می‌کنند که قیمت‌ها در نیمه اول سال به اوج ۹۶/۸۶ دلار در جولای برسند اما در نیمه دوم به حدود ۸۹/۹۳ دلار کاهش یابند؛ در مقابل، گزارش‌هایی از احتمال افت قیمت به ۶۶ دلار در صورت کاهش تنش‌ها یا تقاضای ضعیف چین وجود دارند. شاخص‌های تکنیکال نیز از افزایش قیمت در نیمه اول سال حمایت می‌کنند اما سطوح مقاومتی کلیدی و تغییرات در حجم معاملات نیاز به رصد دقیق دارند. در بلندمدت، تا سال ۲۰۵۰، تقاضای جهانی انرژی از ۳۰۱ میلیون بشکه نفت در روز به ۳۷۴ میلیون بشکه افزایش خواهد یافت که بیشتر به‌دلیل رشد کشورهای درحال توسعه خواهد بود.



توجه بیشتری را جلب کنند و به تدریج اعتماد سرمایه‌گذاران را بازسازی کنند. در نهایت، تجربه تاریخی بورس تهران نشان می‌دهد که این بازار پس از دوره‌های رکود، توانایی بازگشت به مدار رشد را داشته است. برای مثال، پس از «یک‌شنبه سیاه» در سال ۱۳۹۲ بازار با اصلاح سیاست‌ها و بهبود شرایط به تدریج احیا شد. دیروز نیز با تمرکز بر اصلاحات اقتصادی، حمایت از تولید و شفاف‌سازی سیاست‌ها، می‌توان به بهبود تدریجی وضعیت امیدوار بود. سرمایه‌گذاران می‌توانند با اتخاذ استراتژی بلندمدت و تمرکز بر شرکت‌های بنیادی قوی از فرصت‌های موجود بهره‌مند شوند. با وجود سختی‌های کنونی، پتانسیل‌های نهفته در بازار و اقدامات اصلاحی در حال انجام، نویدبخش آینده‌ای روشن‌تر برای بورس تهران است.

دیروز در بازار سهام چه گذشت؟

بازار سهام دیروز هم سراسر قرمزپوش شد و شاخص کل بورس، ریزش ۷۷ هزار واحدی را تجربه کرد. در این بین ۹۷ درصد نمادهای بورسی منفی ماندند و تنها ۳ درصد مابقی مثبت معامله شدند. به عبارتی ۸۲۶ نماد منفی و ۲۸ نماد دیگر مثبت بودند. در پایان معاملات دیروز؛ ارزش معاملات خرد با افتی ناچیز نسبت به روز گذشته به ۳۵۰۰ میلیارد تومان رسید و حدود ۲ هزار میلیارد تومان سرمایه حقیقی از بازار خارج شد تا روند خروج پول از بازار همچنان ادامه داشته باشد. سنگینی صفوف فروش موجب شده تا معاملات زیادی در بازار شکل نگیرد و عملاً نبود خریدار در نمادهای مختلف، شدت خروج پول از بازار را تشدید کرده است.

که معیاری از قدرت پردازشی برای استخراج این رمزارز است بین ۱۵ تا ۲۴ ژوئن بیش از ۱۵ درصد کاهش یافت که بزرگ‌ترین افت در سه سال اخیر بود. این کاهش دقیقاً با قطعی اینترنت و گزارش‌های اختلال در شبکه برق ایران هم‌زمان شد. اینکه چرا قطعی اینترنت چنین تأثیری بر هش‌ریت جهانی گذاشت به ماهیت استخراج بیت‌کوین بازمی‌گردد. استخراج این رمزارز نیازمند دسترسی مداوم به برق ارزان و اتصال پایدار به اینترنت است؛ در ایران، برق یارانه‌ای، که بیشتر از منابع فسیلی و حتی هسته‌ای تأمین می‌شود، به ماینرها امکان داده است با هزینه‌ای ناچیز به استخراج بپردازند اما قطعی اینترنت و گزارش‌های اختلال در شبکه برق، احتمالاً ناشی از حملات اسرائیل به زیرساخت‌های انرژی، هزاران دستگاه ماینر را از شبکه خارج کرده است. این افشاگری می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد. از جمله اینکه ناترازی برق و خاموشی‌های هدفمند در سال‌های اخیر، اغلب به مصرف بالای مردم نسبت داده شده اما این داده‌ها نشان می‌دهند که مزارع بزرگ استخراج بیت‌کوین که از برق یارانه‌ای بهره می‌برند، نقش مهمی در این بحران داشته‌اند. این موضوع، نگرانی مردم را برانگیخته است چراکه مردم عادی با قطعی برق و هزینه‌های بالای انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در حالی که نهادهای قدرتمند از این منابع برای کسب سودهای کلان استفاده می‌کنند.

بهبود شرایط اقتصادی می‌تواند رشد قابل‌توجهی را تجربه کنند. به عنوان مثال، شرکت‌هایی با عملکرد بنیادی قوی، به‌ویژه در صنایع صادراتی، همچنان مورد توجه سرمایه‌گذاران هستند و گزارش‌های اخیر نشان‌دهنده عملکرد مثبت برخی از این شرکت‌ها در ماه‌های گذشته است. علاوه بر این تحلیل‌های تکنیکال برخی نمادهای کلیدی مانند فولاد و فخوز نشان می‌دهد که امکان بازگشت به روند صعودی در صورت بهبود شرایط وجود دارد.

یکی دیگر از عوامل امیدبخش، اقدامات سازمان بورس برای حمایت از بازار است. هرچند این اقدامات هنوز به طور کامل اثرگذار نبوده اما رصد دقیق تحرکات حقوقی‌ها و بازارگردان‌ها و برنامه‌ریزی برای اصلاح زیرساخت‌ها می‌تواند به تثبیت بازار کمک کند. همچنین چشم‌انداز مذاکرات سیاسی و احتمال دستیابی به توافقات بین‌المللی می‌تواند اعتماد از دست رفته را به بازار بازگرداند. اخبار مثبت در این حوزه، به‌ویژه در صورت کاهش تنش‌های منطقه‌ای، می‌تواند جریان نقدینگی را به سمت بورس هدایت کند، همان‌طور که در گذشته شاهد تأثیر مثبت چنین تحولاتی بوده‌ایم.

علاوه بر این، افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران و استفاده از ابزارهای تحلیلی پیشرفته مانند پلتفرم‌های چارتیکس و بورس‌ویو به معامله‌گران کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند. این ابزارها با ارائه داده‌های لحظه‌ای و تحلیل‌های دقیق می‌توانند به شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کمک کنند. همچنین انتظار می‌رود با نزدیک شدن به فصل مجامع سالانه شرکت‌ها، نمادهایی که عملکرد مالی قوی‌تری دارند،

سر برآورده، پرده از واقعیتی پنهان برداشته که ابعاد اقتصادی و سیاسی آن، هم در داخل ایران، هم در بازار جهانی کریپتو، پرسش‌های جدی‌ای را به‌وجود آورده است. این اتفاق از روز ۲۳ خرداد آغاز شد؛ زمانی که اسرائیل به ایران حمله کرد. در پی این حملات، دولت ایران برای مقابله با حملات سایبری احتمالی اسرائیل، اینترنت کشور را تقریباً به‌طور کامل قطع کرد. گزارش‌های موسسات رصد اینترنت نشان دادند که اتصال اینترنت در ایران تا ۵۴ درصد کاهش یافت و به ۴۹ درصد از سطح عادی رسید. این قطعی، که به‌گفته مقامات ایرانی، برای حفظ ثبات شبکه و جلوگیری از نفوذ سایبری اعمال شد، تأثیرات عمیقی بر زندگی روزمره مردم گذاشت و شهروندان از دسترسی به اخبار موثق، خدمات بانکی آنلاین و ارتباط با نزدیکان خود محروم شدند. اما آنچه کمتر انتظار می‌رفت، تأثیر این قطعی بر شبکه جهانی بیت‌کوین بود. داده‌های شبکه بیت‌کوین نشان می‌دهند که هش‌ریت جهانی

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

شکی نیست که روزهای خوبی بر بازار سهام نمی‌گذرد اما بدون شک این روزهای بد می‌گذرد و حال بازار دوباره خوب می‌شود.

پرونده معاملات بورس تهران در روز یک‌شنبه ۸ تیرماه با کاهش نماگرهای سهامی بسته شد. در معاملات دیروز، شاخص کل ۲/۶۷ درصد از ارتفاع خود را از دست داد و به سطح ۲ میلیون و ۸۴۴ هزار واحدی عقب‌نشینی کرد. با وجود بازگشایی بازار سهام در دو روز اخیر، هیچ راهکار عملی برای نجات بازار سهام از وضعیت کنونی از سوی نهادهای مرتبط اندیشیده نشده است و بورس تهران برای دومین روز متوالی با سفارش‌های فروش بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومانی روی تابلو به کار خود خاتمه داد. برای هشتمین روز معاملاتی متوالی بود که نماگر اصلی بازار سهام، جامه سرخ بر تن کرد و این شاخص در هر دو روز معاملاتی اخیر، افت بیش از ۲ درصد را به ثبت رسانده تا در مجموع کاهش ارتفاع شاخص کل در این دو روز به ۴/۶۹ درصد برسد.

شاخص هموزن نیز با کاهش ۲/۱۴ درصدی همراه شد و به سطح ۸۸۸ هزار واحد رسید. در جریان معاملات روز یک‌شنبه، ارزش معاملات خرد بازار رقم ۳ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان را ثبت کرد و یک هزار و ۸۹۷ میلیارد تومان پول حقیقی نیز از بازار خارج شد. در ۸ روز معاملاتی اخیر حدود ۱۰ هزار و ۳۹۲ میلیارد تومان پول از بازار سهام خارج شده است.

بورس تهران در ماه‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه بوده است. افت شاخص کل، خروج نقدینگی، نوسان‌های سیاسی و اقتصادی و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران از جمله عواملی هستند که بازار سهام را تحت فشار قرار داده‌اند. شاخص کل بورس تهران اخیراً به زیر ۳ میلیون واحد سقوط کرده و ارزش معاملات خرد به طور قابل‌توجهی کاهش یافته که نشان‌دهنده احتیاط معامله‌گران و کمبود تحرک در بازار است. اخبار منفی مرتبط با مذاکرات سیاسی، محدودیت‌های انرژی در صنایع کلیدی مانند سیمان و فولاد و عدم شفافیت در برخی سیاست‌های اقتصادی نیز به تشدید این وضعیت دامن زده‌اند. با این حال در دل این چالش‌ها، نشانه‌هایی از امید به بهبود دیده می‌شود که می‌تواند چشم‌اندازی مثبت برای آینده بازار ترسیم کند.

یکی از مهم‌ترین روزه‌های امید، پتانسیل بالای بازار سهام تهران به دلیل تنوع صنایع و نقدینگی بالای آن است. این بازار همچنان میزبان شرکت‌هایی از بخش‌های مختلف مانند پتروشیمی، معدنی، بانکی و خودروبی است که در صورت

دیدگاه: یادداشت روز

تاجران ناترازی

چه کسانی مسبب اصلی ناترازی برق هستند؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

در گرماگرم تنش‌های اخیر میان ایران و اسرائیل، قطعی گسترده اینترنت در ایران نه تنها ارتباط مردم با جهان خارج را مختل کرد بلکه رازی شگفت‌انگیز را برملا کرد: سقوط ناگهانی و بی‌سابقه ۲۰ درصدی نرخ پردازش شبکه جهانی بیت‌کوین، درست هم‌زمان با این قطعی اینترنت در ایران. این افت چشم‌گیر که نشان‌دهنده خاموش شدن صدها هزار دستگاه ماینر است، حاکی از وجود یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های استخراج بیت‌کوین در جهان است؛ عملیاتی که نه در دسترس مردم عادی بلکه تحت کنترل گروه‌هایی است که از برق یارانه‌ای برای تبدیل انرژی به رمزارز و دور زدن تحریم‌ها بهره می‌برند. این افشاگری که از دل یک بحران ژئوپلیتیکی

۲۱ شهید اوین

سختگوی قوه قضاییه

سرباز، مراجعه کننده و همسایه در حمله به اوین کشته شدند

گروه اجتماعی: سختگوی قوه قضائیه اعلام کرد در حمله موشکی روز دوشنبه به زندان اوین، تاکنون ۷۱ نفر به‌شهادت رسیده‌اند. اصغر جهانگیر گفت که این شهدا، شامل کارکنان اداری زندان، سربازان وظیفه، زندانیان محکوم و اعضای خانواده‌های مراجعان هستند. او افزود که این حمله در بعدازظهر دوشنبه، توسط هواپیماها و موشک‌های رژیم صهیونیستی صورت گرفت و بنابر اعلام رسمی حتی ساکنان محله‌های نزدیک زندان نیز متحمل خسارت جانی و مالی سنگین شده‌اند و آسیب دیده‌اند. به‌گفته جهانگیر، «حمله صهیونیست‌ها به زندان اوین موجب ایراد خسارات گسترده مالی و بدنی به همسایه‌های نزدیک به سالن ملاقات و ساختمان دایاری شده است؛ متأسفانه از میان همسایه‌ها، شهید هم داشته‌ایم».

حمله به زندان اوین در دوم تیرماه، روز پایانی این درگیری‌ها رخ داد. اصغر جهانگیر با اشاره به این نکته یادآور شد که ساختمان‌های بهداری زندان، ساختمان فنی مهندسی، سالن ملاقات و دفتر دادیاری هدف پرتابه و موشک قرار گرفته‌اند. ورودی اصلی زندان و دیوارهای پیرامون آن نیز در این حمله آسیب دیده‌اند. او گفت که در زمان حمله، تعداد زیادی از خانواده‌های مراجعان در سالن ملاقات حضور داشتند که متأسفانه تعدادی از آنان بر اثر اصابت ترکش یا آوار، شهید یا مجروح شدند. در پی این حمله شدید، نیروهای آتش‌نشانی

شهر

تهران بی‌پناه

چرا پایتخت پناهگاه ندارد؟

گروه اجتماعی: حملات موشکی اسرائیل، پایتخت را ناگهان به وضعیت جنگی کشاند اما مسئولان، تنها به پیشنهاد استفاده از مترو، مدارس و مساجد به‌عنوان پناهگاه اکتفا کردند. نقدها نشان می‌دهند این امکانات، اساسا برای پناه‌گیری و به‌عنوان پناهگاه در حمله هوایی طراحی نشده‌اند. رئیس شورای شهر تهران می‌گوید، ساختمان‌های بالای ۵۰ واحد باید پناهگاه داشته باشند اما خود او اعتراف کرده که در حال حاضر «متأسفانه در تهران... به‌صورت کامل، پناهگاهی نداریم». در جنگ ۱۲ روزه اخیر میلیون‌ها تهرانی در نبود طرحی مشخص برای دفاع غیرنظامی، مجبور به فرار از شهر شدند.

از یاسماد جمعه «۲۳ خرداد»، نخستین موشک‌های اسرائیلی آسمان تهران را شکافتند و دهها نقطه نظامی و غیرنظامی ایران، هدف قرار گرفتند. فضای اضطراب و دود و ویرانی، ساکنان تهران را مقابل انتخابی تاریخی قرار داد: ماندن و بی‌پناهی یا ترک بی‌سابقه پایتخت. تنها در چند روز اول پس از حمله، بیش از دو میلیون نفر از تهرانی‌ها، این کلان‌شهر را ترک کردند؛ صف‌های طولانی خودروها در بزرگراه‌های منتهی به استان‌هایی مانند مازندران، زنجان و آذربایجان شرقی، گواه این مهاجرت گسترده بودند. این موج فرار غیرمنتظره، ضعف مدیریت شهری و بی‌برنامه‌گی مسئولان را در شرایط جنگی به‌نمایش گذاشت.

مسئولان دولتی صرفا راهکارهای مقطعی ارائه کردند؛ سختگوی دولت گفت مردم می‌توانند از مترو، مدارس و مساجد به‌عنوان پناهگاه اضطراری استفاده کنند. مهدی چمران نیز پیشنهاد داد، تونل‌های عمیق مترو یا پارکینگ‌های طبقاتی را در مواقع بحرانی به‌کار گیرند اما همگان اذعان دارند که هیچ‌یک از این اماکن، شرایط پناهگاه واقعی را ندارند؛ اغلب ایستگاه‌های مترو حتی سرویس بهداشتی مناسب، محل استراحت یا تهویه اضطراری ندارند و مدارس و مساجد به‌لحاظ ساختاری، ایمن نیستند. چمران به‌صراحت گفت «در تهران پناهگاهی کاملا ساخته‌شده وجود ندارد». در عمل، مردم در روزهای جنگ موشکی، اغلب فقط با امیدوی واهی به تارک‌خانه‌ها و زیرزمین‌های غیرتقویت‌شده، پناه بردند. شواهد نشان می‌دهند، مدیریت بحران غیرنظامی در تهران به‌کلی فراموش شده بود. حسین ایمانی‌جاجرمی، جامعه‌شناس شهری گفته که؛ با وجود تجربه جنگ ۸ ساله هیچ برنامه مشخص، مانور منظم یا سازوکار سازمان‌یافته‌ای برای دفاع غیرنظامی وجود ندارد. درواقع، سازمانی که در دوران پهلوی، وظیفه پدافند غیرعامل را بر عهده داشت، پس از انقلاب منحل شد و طی دهه‌ها، ساختار جدیدی شکل نگرفت؛ به‌گفته او، اکنون هیچ نهادی مسئولیت شفاف‌سازی و آموزش عمومی در زمینه پناهگاه‌ها را به‌درستی ایفا نمی‌کند؛ سایت‌های شهرداری و مدیریت بحران تهران هم در این زمینه خالی هستند.

و امداد برای کمک به مجروحان و مهار آتش به محل اعزام شدند؛ بر اساس گزارش‌های رسمی، تمامی زندانیان نیز به سایر بندها و حتی دیگر زندان‌های استان تهران انتقال یافتند تا امنیت آنان تامین شود. جهانگیر در تشریح آمار تلفات گفت: «آمار تجمیعی شهدای حادثه اوین تا زمان مخابره این خبر، ۷۱ نفر است و شهدا، از جمله کادر اداری زندان، سربازان وظیفه، محکومین زندانی، خانواده‌های محکومین و همسایه‌هایی که در مجاورت زندان زندگی می‌کردند، هستند». او ادامه داد که تعداد زیادی نیز مجروح شده‌اند و برخی از آنها در محل، عده‌ای نیز در بیمارستان و پس از اقدامات درمانی مرخص شده‌اند. به‌گزارش رسانه‌ها؛ از میان شهدا، پنج نفر مددکار اجتماعی زندان اوین بوده‌اند که هنگام تلاش برای فرار از ساختمان اداره، گرفتار ریزش سقف شدند و به شهادت رسیدند. یکی از این قربانیان «(زهرای عبادی) ۵ ساله بود که همراه با پسر پنج‌ساله‌اش، در سالن اداری زندان شهید شد. گزارش‌ها حاکی هستند که این پنج مددکار (عاطفه بجاع‌زاده، اکرم محمدسلیمی، مهناز خوش کردار، پورانخت سعادت‌نژاد و زهرا عبادی)، در لحظه وقوع انفجار، در حال فرار از در ساختمان بودند که سقف روی سرشان فرومی‌ریزد. همه این افراد سال‌ها در زندان اوین خدمت کرده و با نقشی قضایی برای مساعدت به زندانیان فعالیت می‌کردند. همچنین، غلامحسین محسنی‌آژه‌ای، رئیس

قوه قضائیه اعلام کرد که «شماری از کارکنان و مسئولان خدوم زندان اوین و دادسرای ناحیه ۳۳ تهران همچنین خانواده‌های برخی زندانیان که برای ملاقات مراجعه کرده بودند، شهید و تعدادی از زندانیان نیز مجروح شده‌اند».

در همان روز، مسئولان قضایی هرگونه شایعه مبنی بر درگیری داخلی یا فرار گسترده زندانیان را قویا تکذیب کردند. مرکز رسانه قوه قضائیه در اطلاعیه‌ای نوشت که وضعیت درون زندان «تحت کنترل است» و اخبار مربوط به شورش، تیراندازی یا فرار زندانیان صحت ندارد. از سوی دیگر، رسانه‌های وابسته به اسرائیل شایعه کرده بودند که پیش از حمله، به فرزند رئیس زندان اطلاع داده شده و او پیش از حادثه، محل را ترک کرده است. دیروز، روابط عمومی زندان‌های تهران این ادعا را «خبرسازی دروغ و عجیب» خواند و اعلام کرد مستندات نشان می‌دهد، رئیس زندان «فرزادی» هنگام حمله با یک تیم بازیدکننده در داخل زندان مشغول بازدید بوده است. این تلاش‌های تبلیغاتی صهیونیست‌ها برای منحرف کردن افکار

است؛ کارشناسان انتقاد می‌کنند که «تهران هیچ پناهگاهی ندارد؛ این یک واقعیت است، نه شایعه».

درواقع، تنها مکان‌هایی که به‌عنوان پناهگاه اضطراری نام برده شده‌اند، تعداد معدودی زیرزمین باقی‌مانده از دوران جنگ قبلی هستند. به‌گزارش رسانه‌ها، این نقاط شامل زیرزمین پارک شهر در مرکز تهران، تونل‌های مجموعه ورزشی آزادی، پناهگاه‌های قدیمی منطقه نارمک و فضاهای زیرزمینی بازار تهران هستند. دیران کلیددار شهرداری‌ها برای دسترسی به این اماکن، اطلاع‌رسانی خاصی نکرده‌اند و تامین خدمات اولیه در آنها نیز نامعلوم مانده است. نتیجه این فقدان زیرساختی و اطلاع‌رسانی، عمل کردن شهروندان «تنها به امید به شانس و احتمال در لحظات بحرانی» است.

با توجه به ادامه احتمالی تهدیدات، کارشناسان بر آمادگی فردی و خانوادگی پناهندگان شهری تاکید می‌کنند؛ توصیه‌های متداول برای وضعیت‌های جنگی در ایران، ساده اما حیاتی هستند: شهروندان درباره راهکارهای پناه‌گیری آگاه شوند و در خانه‌های خود، بسته اضطراری آماده کنند؛ به‌عنوان نمونه، کارشناسان توصیه می‌کنند، بسته اضطراری باید شامل حداقل سه لیتر آب آشامیدنی برای هر نفر در روز (با قرص‌های تصفیه آب)، مواد غذایی فاسدناشدنی (کنسرو، خشکبار، پروتئین بار)، تجهیزات کمک‌های اولیه (دارو، باند، ضدفونی‌کننده) و وسایل اضطراری، مانند چراغ‌قوه، رادیو یا باتری، شارژر موبایل همراه و باتری اضافی باشد. اعضای خانواده باید نقشه فرار اضطراری داشته باشند؛ محل جمع شدن پس از حادثه را تعیین کنند و تمرینات کوتاه برای اجرای برنامه اضطراری برگزار کنند. در منزل باید در صورت وقوع حمله موشکی و تخریب احتمالی ساختمان به زیرزمین یا دورترین نقطه از پنجره‌ها و درها پناه ببرند. اطمینان از یک کیت اضطراری متمرکز و آموزش اعضای خانواده (از کودکان تا سالمندان) در استفاده از آن در عین ادامه جنگ احتمالی می‌تواند، جان افراد را نجات دهد.

فقدان پناهگاه رسمی در تهران به چالشی جدی بدل شده است. در عمل، سایه هولناک جنگ بر پایتخت، غیبت کامل یک نظام جامع دفاع غیرنظامی را عیان کرد. اگر مسئولان به‌زودی و با جدیت، برنامه‌ای تدوین نکنند- از ساخت پناهگاه‌های استاندارد در پروژهای جدید گرفته تا تجهیز زیرساخت‌های قدیمی و مترو- تهران و شهرنشینانش در نخستین حمله بعدی، باز هم بختی جز فرار نخواهند داشت. واقعیت آن است که پس از پایان نیمه‌تمام آتش‌پسی که جنگ را متوقف کرد، هنوز مشخص نیست «(بلان بی) مسئولان مقابل موشک‌های بعدی چیست؛ مردم تنها با بسته‌های اضطراری خود و حس ششم‌شان در برابر موج بعدی موشک‌ها، آماده خواهند بود.



عمومی در حالی صورت می‌گیرد که بررسی‌های رسمی ادامه دارد و مسئولان قضایی تاکید کرده‌اند، پیگیری حقوقی این جنایت و تعقیب عاملان آن در دستور کار است.

حمله هوایی به زندان اوین در دوم تیرماه، در جریان همان جنگ ۱۲‌روزه اسرائیل علیه ایران رخ داد؛ این جنگ از ۲۳ خردادماه آغاز شد و سوم تیرماه، پایان یافت و طی آن حملات گسترده هوایی، صدها کشته و زخمی به‌جا گذاشت. اکنون، تهران و جامعه حقوق‌بشری از مقام‌های بین‌المللی خواسته‌اند به این جنایت به‌عنوان نقض آشکار قوانین بشردوستانه، رسیدگی کنند. سختگوی قوه قضائیه ضمن هشدار نسبت به عواقب حقوقی اقدام خصمانه اسرائیل از ملت ایران خواسته، وحدت خود را حفظ کنند و بر تعقیب قضایی عاملان حمله، تاکید کرده است. هم‌اکنون، تحقیقات درباره جزئیات این حادثه ادامه دارد و دولت نیز تلاش می‌کند که خدمات پزشکی و پشتیبانی لازم را برای آسیب‌دیدگان و خانواده‌های قربانیان فراهم کند.

ادامه یادداشت روز

تاب‌آوری ملی

با وجود این فشارها، یکی از پدیده‌های قابل‌توجهی که در جریان این جنگ مشاهده شد، شکل‌گیری حس هم‌بستگی و وحدت ملی گسترده بود. در شرایطی که استرس و نگرانی مردم را فرا گرفته بود، شاهد کنار گذاشتن اختلافات سیاسی و اجتماعی و حرکت به سمت اتحاد و هم‌دلی بودیم؛ بسیاری از افراد با مشارکت در کمک‌رسانی‌های داوطلبانه، حمایت از آسیب‌دیدگان و تقویت روحیه مقاومت ملی، نشان دادند که در بحران‌ها نیز می‌توانند متحد و قدرتمند باشند. شبکه‌های اجتماعی، سرشار از گزارش‌های کمک‌رسانی مردمی و همکاری‌های داوطلبانه بود و پیام‌های امیدبخش ربه‌ران کشور به آرامش روانی جامعه کمک کرد. این هم‌بستگی ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی، یکی از دستاوردهای مهم این تجربه تلخ بود که توانست اضطراب جمعی را کاهش دهد و حس تعلق به جامعه را تقویت کند.

با این حال، آثار روحی و روانی جنگ به همین سادگی رفع نخواهند شد؛ جامعه ایران تا مدت‌ها به حمایت‌های روانی، مشاوره‌ای و فعالیت‌های بازسازی اجتماعی نیاز خواهد داشت. بازسازی جامعه پس از جنگ فقط محدود به بازسازی فیزیکی و زیرساخت‌ها نیست؛ حمایت‌های روانی، ایجاد فضاهای گفت‌وگو و تعاملات اجتماعی و تقویت حس امنیت روانی مردم نیز باید در دستور کار قرار گیرند.

عبور از این مرحله سخت، مستلزم حفظ برنامه‌های منظم روزانه ازجمله خواب کافی، تغذیه مناسب و فعالیت بدنی است؛ همچنین محدود کردن پیگیری اخبار ناامیدکننده و افزایش ارتباطات مثبت خانوادگی و اجتماعی می‌تواند به کاهش اضطراب کمک کند. حمایت تخصصی روان‌شناختی و ایجاد فضای باز برای بیان احساسات، این توانایی را به افراد می‌دهد که تجربیات تروماتیک خود را بهتر مدیریت کنند و از آسیب‌های روانی بلندمدت جلوگیری کنند.

درنهایت، جنگ ۱۲ روزه هرچند کوتاه‌بود اما زخمی عمیق بر جان و روان جامعه ایران گذاشت. این تجربه نشان داد که سلامت روانی مردم و سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین ارکان تاب‌آوری ملی هستند؛ اکنون، وظیفه ماست که با همدلی، همراهی و برنامه‌ریزی دقیق، مسیر بازسازی روحی، اجتماعی و فرهنگی کشور را هموار کنیم تا بتوانیم زندگی‌ای بهتر، همراه با آرامش بیشتر برای همه ایرانیان رقم بزنیم.

